

۱۹۰

تجارت ایران

ISSN: 1019-8571

IRAN BUSINESS

سال سی ام، آذر ماه ۱۳۹۹، مجله‌ای با رویکرد اقتصاد و بازرگانی، قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

همه گیری ویروس کرونا و ظهور دیپلماسی اقتصادی دیجیتال



» پذیرش نماینده فعال در تهران و شهرستان‌ها



IC-7110W

دوربین بی سیم متحرک
۱/۳ مگا پیکسل
با قابلیت دید در شب



IC-3110W

دوربین بی سیم ۱/۳ مگا پیکسل
با قابلیت دید در شب



IC-3110P

دوربین PoE ۱/۳ مگا پیکسل
با قابلیت دید در شب



IC-3115W

دوربین بی سیم
۱/۳ مگا پیکسل

دفتر کار

خانه

انبار

نصب سریع و آسان (Plug & View)



جلسات

با تلفن همراه یا تبلت خود،

اموال و دارائی هایتان را تحت نظر داشته باشید

گام سوم
نام و رمز خود را
وارد کنید



گام دوم
نرم افزار "EdiView"
را روی تلفن همراه یا
تبلت خود نصب کنید



گام اول
دوربین خود را به اینترنت
وصل کنید





گروه نشریات علمی و تحقیقاتی



علم الکترونیک و

کامپیوتر

شماره ۴۹۶ (ماهنامه)



دنیای رایانه‌های شخصی
شماره ۵۲۵ (هفته‌نامه)

مجله تجارت ایران

گروه نشریات علمی و تحقیقاتی

مؤسس و بنیانگذار
فرامرز علیزاده

Founder
F. Alizadeh

GSRP Group

صاحب امتیاز
شرکت تولیدی فار
گروه نشریات علمی و تحقیقاتی

مدیر مسئول
فرامرز علیزاده

Publisher
Fair Manufacturing Company PLC.
GSRP Group

Managing Director
Amir.E.Alborz

قائم مقام مدیر عامل
مریم البرز

Vice President
Maryam Alborz

مسئول انتشارات و روابط عمومی
روزبهانی

**Publication Department Manager and
Executive Advertising Director**

Roozbahani

Senior Editor

نمای سردبیری

روابط بین الملل
منیژه زارعیان
مدیر مالی
صادقی

International Relation Manager
Manijeh Zareian

Finance Manager
H.Sadeghi

Commercial Manager
Maryam Alborz

Layout
Publication Dept.

Fatemeh Ghiasvand

مدیر بازرگانی
مریم البرز
صفحه‌آرایی

واحد انتشارات شرکت تولیدی فار
گروه نشریات علمی و تحقیقاتی
فاطمه قیاسوند

لیتوگرافی، چاپ و صحافی
چاپ ایران کهن

واحد انتشارات
مجله علم الکترونیک و کامپیوتر
گروه نشریات علمی و تحقیقاتی

روش مجله: علمی و فنی

شماره استاندارد بین المللی: ۸۵۷۱-۱۰۱۹

وب: www.pcworldpersian.com

www.pcworld.ir

www.elmeelectronicvacomputer.ir

www.donyayerayanehayeshakhsi.ir

www.tejarateiranmagazine.ir

پست الکترونیک: editorial@pcworldiran.com

تلفن: ۰۲۲-۷۳۸۱۱ و ۸۸۶۹۴۳۷۴-۶

فکس: ۰۲۲-۷۳۸۱۷ و ۸۸۶۹۴۳۷۳

صندوق پستی: ۱۶۱۵-۱۹۳۹۵

آدرس: تهران، سعادت آباد، بلوار ۳۴ متری

ISSN: 1019-8571

Web: www.pcworldpersian.com

www.pcworld.ir

www.elmeelectronicvacomputer.ir

www.donyayerayanehayeshakhsi.ir

www.tejarateiranmagazine.ir

e-mail: editorial@pcworldiran.com

Tel: +98 21 22073811 , +98 21 88694374-6

Fax: +98 21 22073817 , +98 21 88694373

Address: P.O.box 19395-1615

Tehran Iran

Materials in this publication may not be reproduced in any form without permission. Copyright 1990-2020 (1369-1399) GSRP (Iran Business Magazine) All rights reserved.

همه گیری ویروس کرونا و ظهور دیپلماسی اقتصادی دیجیتال

در مرکز اصلی قدرت و در شخصیت جوامع در داخل و خارج از کشور، دیپلماسی یک نهاد اجتماعی است که بیشتر از همیشه حتی از اوایل قرن ۲۱ قابلیت تاثیرگذاری دارد. امروزه در مواجهه با تحول سریع جامعه، دولت‌ها کار سختی پیش رو دارند. به روز بودن در دیپلماسی با استفاده از فن آوری‌های جدید ارتباطی که قلب دیپلماسی است و به تبع آن مذاکرات، نمایندگی‌ها و ارتباطات با توجه به اولویت ارتباطات در دیپلماسی، همه مسائلی هستند که دولت با آن مواجه است.

دیجیتال شدن دیپلماسی در دوران کنونی امری جدانشدنی از ارتباطات جامعه جهانی است و با پیشرفت و توسعه دیپلماسی دیجیتال، دولت‌ها بخشی از نگرانی‌ها در مورد محدودیت‌های ایجاد شده در دوره همه گیری کرونا را پشت سر خواهند گذاشت.

در بیانی کوتاه دیپلماسی دیجیتال به مفهوم دیجیتالی کردن فعالیت‌های مختلفی است که زیر چتر دیپلماسی انجام می‌شود؛ از جمله دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی اقتصادی، همراه با طیف وسیعی از دیگر دیپلماسی‌ها و ما در موقعیت دیپلماسی دیجیتال با تحولات مختلفی روبرو هستیم. تغییر و انطباق تدریجی در چارچوب‌ها و اصول موجود در الگوهای رفتاری، هنجارها و قوانین پذیرفته شده؛ به گونه‌ای که دیپلماسی کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. اما با نگاهی به شرایطی که کووید ۱۹ ایجاد کرده است، نقش نهادهای دولتی در انتقال اطلاعات کارآمد و به روز رسانی درمورد شرایط قرنطینه، قوانین و مقررات جدید، آزمایش‌های تایید شده، مجوزهای رفت و آمدهای داخلی و بین المللی و بسیاری مسائل دیگر به مردم، مزایای بهره مندی از دیپلماسی دیجیتال را برجسته تر کرده است.

همچنین دیجیتال سازی مدتی است که در کنار رسانه‌های اجتماعی در حال پیشرفت است و این امر در مورد دیپلماسی سیاسی و عمومی چشمگیرتر است؛ درحالیکه در دیپلماسی اقتصادی تازه شروع به کار کرده است. به واسطه رسانه‌های اجتماعی دولت‌ها نیز



عضو شبکه پژوهشگران دفتر مطالعات دیپلماسی اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع) در یادداشتی با اشاره به شیوع ویروس کرونا و اثرات آن بر تمامی حوزه‌ها به ویژه اقتصاد، بهره گیری از دیپلماسی دیجیتال را منشاء تحول دانسته و نتیجه گیری کرده که کنترل و شفافیت در امور اقتصادی در این دوران را برای دولت و ذی نفعان آن فراهم می‌کند.

به گزارش ایسنا، در یادداشت بهناز عظیمی آمده است: در حال حاضر شرایط و عملکرد جامعه جهانی در مواجهه با ویروس همه گیر کرونا باعث ایجاد ناپایداری و عدم اطمینان در کلیه مشاغل و فعالیت‌ها در سراسر جهان شده است که این عدم اطمینان ما را به این تفکر می‌برد که چگونه می‌توان همچنان فعالیت‌های ارزشمندی را که در گذشته انجام می‌دادیم، با وجود شرایط فعلی ادامه دهیم. چگونه دیپلماسی که قلب حفظ کانال‌های ارتباطی، تقویت روابط، افزایش همکاری در جهت مقاصد و اهداف مشترک است را تکامل بخشیم؛ مخصوصاً وقتی که دیپلماسی بدون تردید با دست دادن و تقسیم یک فنجان چای و گفتمان رودر رو راحت‌تر خواهد بود! اما کرونا با ایجاد فضای فاصله‌های اجتماعی و دورکاری و کاهش روابط فیزیکی، ما را با فرصت‌های دیجیتال و دیپلماسی دیجیتال آشنا خواهد کرد.

دیپلماسی دیجیتال

دیپلماسی به تغییر در فضای بین المللی و داخلی پاسخ می‌دهد.

- ارتباط با شرکت‌ها و سازمان‌های منطقه ای که می‌توانند با مشاغل و موسسات علمی ایران همکاری کنند.

- مشارکت با سازمان‌ها یا نهادهای دیگر برای بهبود ارائه خدمات.

۲- بررسی شرکت‌ها

- انجام تماس‌های اینترنتی، تماس‌های ویدیویی و میزگردهای مجازی برای دیدن نحوه عملکرد شرکت‌ها، درک نگرانی‌ها، اولویت‌های آن‌ها و پشتیبانی از آن‌ها و در صورت امکان، اشتراک اطلاعات در مورد اقدامات محرک اقتصادی در ایران و سایر کشورها.

۳- حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط

- افزایش آگاهی از فرصت‌های بازار در منطقه از طریق یک سری وبینار در مورد امنیت غذایی، فناوری آب، انرژی پاک، تدارکات، مراقبت‌های بهداشتی و فراتر از آن‌ها تشکیل جلسات هماهنگ سازی مجازی میان انجمن‌های صنعتی و ذی نفعان منطقه‌ای و ایجاد یک پورتال انرژی که نوآوری‌های به دست آمده را به نمایش بگذارد تا برای ارتقای صادرات مورد استفاده قرار گیرد. در حالیکه برخی از این اقدامات به دلیل وضعیت بحرانی بیماری کووید ۱۹ موقتی هستند، اکثریت آن‌ها می‌توانند در طولانی مدت تغییرات چشمگیر ایجاد کنند.

نتیجه

در پایان درک این نکته مهم است که بعید است هرگز دیپلماسی دیجیتال جای دیپلماسی به معنای متعارف آن را بگیرد و گفت و گوهای حضوری بعد از دوران همه گیری ادامه خواهد داشت. با این حال دیپلماسی دیجیتال قادر به توضیح اینکه چرا یک تصمیم خاص گرفته شده، چه نتیجه‌ای می‌دهد و چگونه روند سیاست خارجی را تحت تاثیر قرار می‌دهد خواهد بود و این به معنای دسترسی عمومی به نتایج دیپلماسی مرسوم است. تغییرات دیجیتال امکان شفافیت، پاسخگویی و دسترسی بیشتر را فراهم کرده است و مردم و دولت ساده تر از قبل می‌توانند با یکدیگر در تعامل باشند؛ بنابراین تجارت و کسب و کار اقتصادی نیز که ستون پایداری و انسجام یک دولت و ملت است، با ایجاد تغییرات دیجیتال می‌تواند مفهوم ارتباطات اقتصادی را دچار تحول کند و کنترل و شفافیت در امور اقتصادی در این دوران تاریک را برای دولت و ذی نفعان آن فراهم کند.

از طریق نمایندگان، موسسات، سفارتخانه‌ها و غیره ارتباط مستقیم خود را با مردم آغاز می‌کنند و به مخاطبان بسیار گسترده تری نسبت به قبل دسترسی دارند.

دیپلماسی اقتصادی دیجیتال

در حالیکه طی ۲۰ سال گذشته بسیاری از ابزارهای دیجیتال ظهور کرده‌اند که می‌توانند تجارت و کسب و کارها را تسهیل کنند؛ اما این امر همچنان به طور سنتی باقی مانده است و جلسات تجاری دوجانبه به صورت حضوری ادامه داشته و ماموریت‌های تجاری ریشه در کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های فیزیکی دارند و اکثر ابزارهای دولتی که از توسعه تجارت، بین‌المللی سازی و صادرات پشتیبانی می‌کنند، ماهیت فیزیکی خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

با این وجود، ایران نیز مانند بسیاری از مناطق دیگر جهان در وضعیت کنونی دارای دیپلماسی اقتصادی آماده اختلال بود و هیچ چیز نمی‌توانست مزاحم‌تر و اختلال آورتر از بیماری کوید ۱۹ برای آن بوده باشد. بنابراین این که چگونه دیپلماسی اقتصادی را تکامل بخشیم سوال پیچیده‌ای است؛ به ویژه در این اوضاع آشفته که مردم، مشاغل و کل دنیا برای راهنمایی و رهبری دنباله روی برنامه‌های دولت‌های خود هستند.

دولت ایران می‌بایست همانطور که مشاغل و سازمان‌ها در سطح جهانی تنظیم می‌شوند، مدل‌های تجاری خود را دوباره ارزیابی می‌کنند و برای جهانی پس از کرونا آماده می‌شوند، خود را برای مواجه با چالش‌های پیش رو و ارزیابی‌های جدید آماده کند.

یکی از حوزه‌های مهم سیاست گذاری در این دوره به سیاست‌های رقابتی در اقتصاد دیجیتال اختصاص دارد. در این فرآیند شناخت ویژگی بازارهای اقتصادی دیجیتالی و نحوه تاثیر آنها بر طراحی سیاست رقابتی از مباحث اساسی و موثر در توسعه اقتصاد دیجیتال است؛ بنابراین توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سیاست‌های مرتبط با آن نیز نقش بسزایی در استقرار اقتصاد دیجیتال ایفا خواهد کرد.

علاوه بر اینها برای رسیدن به اهداف دیپلماسی در دوران همه گیری، توجه به پاره‌ای از مسائل می‌تواند دولت‌ها و نهادهای اقتصادی را در رسیدن به توسعه اقتصاد دیجیتال نزدیکتر کند.

۱- حفظ و گسترش شبکه‌های محلی

اتاق تسویه پایاپای راه حل به اثر کردن تحریم های بانکه



در این باره، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی بر ضرورت هم افزایی و هماهنگی دستگاه های مسئول در حوزه سیاست پولی، مالی و تجاری تاکید کرد و بیان داشت: در وضعیت فعلی باید فرآیند تهاتر کالا را تسهیل کنیم و غل و زنجیر بروکراسی اداری را از پای کسب و کارها و تجار و بازرگانان باز کنیم.

اتاق تسویه پایاپای راه حل مشکل تجارت بین الملل ایران
کشورهای پیشرو در زمینه تجارت بین الملل به منظور نیل به هدف فروش حداکثری کالا و خدمات تولید داخلی در ازای خرید خارجی، استراتژی «تجارت کالا و خدمات ذیل اتاق های تسویه پایاپای دو یا چند جانبه» را در دستور کار خویش قرار داده اند. این اتاق ها با هدف نظام مند شدن مبادلات تهاتری بین کشورها و تسهیل انجام

با تنگ ترشدن حلقه تحریم های همه جانبه علیه ایران، لازم است رویکرد مقابله با تحریم ها به سمت ایجاد سازوکارهای جدید کم اثر کردن تحریم ها از جمله ایجاد اتاق های تسویه پایاپای تغییر کند. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از اهداف اصلی تحریم جمهوری اسلامی ایران، ایجاد اختلال در چرخه تجارت بین المللی کشور است. مهم ترین روش ایالات متحده برای تحقق اهداف رژیم تحریم علیه ایران، استفاده از قدرت حاکمیت دلار در دنیا است بنابراین با تحریم بانک ها و مبادلات مالی کشور توانسته است تجارت بین المللی ایران را با مشکل مواجه کند در این شرایط نیاز به تاسیس و به کارگیری سازوکارهای جایگزین در راستای بی اثر کردن تحریم ها برای انجام تجارت بین المللی ایران احساس می شود.

از حساب‌ها بر عهده دولت‌ها است، نه بازرگانان؛ زیرا قیمت قطعی معامله و نرخ تبدیل ارز در زمان تشکیل اعتبار اسنادی به صورت قطعی محاسبه می‌شود. در صورتی که بازرگانی بخواهد از کشور مقابل کالایی خریداری کند، صرفاً با مراجعه به اتاق تسویه پایاپای، اعتبار اسنادی دریافت کرده و می‌تواند از کشور مذکور کالایش را خریداری و حمل نماید. وجه معامله را نیز به حساب اتاق واریز می‌کند. در سوی دیگر، اگر تاجر کشور هدف بخواهد کالایی خریداری کند، با مراجعه به اتاق تسویه پایاپای در کشور خویش، کالایش را خریداری کرده و وجه معامله را به حساب اتاق مذکور واریز می‌کند. از سوی دیگر، در صورتی که دو بازرگان از دو کشور مختلف بخواهند کالاهای خویش را با یکدیگر معاوضه نمایند، ذیل مکانیزم‌های این اتاق این کار صورت می‌پذیرد. در نهایت اتاق های بین دو کشور از طریق برقراری تعادل مالی بین خود، تسویه را انجام می‌دهند.

تجربیات جهانی

بسیاری از اقدامات انجام شده در حوزه معاملات پایاپای در دنیا توسط کشور چین صورت گرفته است. چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است که طبق پیش‌بینی اقتصاددانان، تا سال ۲۰۴۰ اقتصادی سه برابر بزرگتر از اقتصاد آمریکا خواهد داشت. بنابراین کارشناسان چینی همواره بر روش معامله پایاپای در ازای انتقال ارز و معامله با دلار تاکید داشته‌اند. چین، ژاپن، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، پاکستان، برزیل، ایتالیا، کره جنوبی، کره شمالی، روسیه از جمله کشورهایی هستند که دارای اتاق‌های تسویه پایاپای فعال بین یکدیگر هستند. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران در معرض شدیدترین تحریم‌های بانکی قرار دارد، طی سالیان طولانی، ایران با رویکرد دور زدن تحریم‌ها به تامین نیازهای خود پرداخته است اما به نظر می‌رسد با توجه هدفمند شدن تحریم‌ها نیاز به تغییر رویکرد به سمت ایجاد سازوکارهای جدید برای رفع محدودیت‌های تجاری وجود دارد. ایران می‌تواند با ایجاد اتاق‌های تسویه پایاپای با شرکای تجاری خود علاوه بر کم اثر کردن تحریم‌ها، توازن تجاری با شرکای اصلی خود ایجاد کند. این رویکرد در بلندمدت علاوه بر بی‌اثر کردن تحریم‌های بانکی، موجب سوق دادن تجارت کشور به سمت کشورهای هم‌پیمان و افزایش امنیت تجارت خارجی ایران خواهد شد.

چنین مبادلاتی شکل گرفته‌اند. به این ترتیب پس از حذف انتقال انواع ارزهای بین‌المللی، تسویه خرید و فروش کالا و خدمات با ارز ملی کشورهای حاضر در اتاق مذکور انجام خواهد شد.

از طرف دیگر وجود اتاق‌های متعدد تسویه پایاپای بین یک کشور و سایر کشورها، علاوه بر ایجاد تعادل در تراز تجاری، فرصت بهینه‌ای را برای انجام بازرگانی فرامنطقه‌ای فراهم می‌آورد. به این ترتیب علاوه بر کاهش ریسک مشکلات ناشی از تحریم بانکی توسط نهادهای بین‌المللی، حل چالش نقل و انتقال ارز خرید خارجی، بی‌نیازی از سیستم سوئیفت، کاهش هزینه‌های انتقال ارز و کارمزد بانکی و مدیریت نرخ انواع ارز در بازار می‌توان از امکانات اتاق‌های تسویه پایاپای در راستای توسعه تجارت خارجی و فروش و صادرات کالا و خدمات ساخت داخل در ازای خرید خارجی بهره جست.

اتاق‌های تسویه پایاپای در شرایط اعمال تحریم بانکی، می‌توانند به عنوان یک کانال امن و بدون ارتباط با نظام‌های مالی تحت کنترل غرب عمل کنند و علاوه بر کاهش هزینه‌ها مانند تبدیل و حواله ارز، موجب تسهیل و تنوع در روش‌های پرداخت تجارت خارجی و کاهش ریسک ارزی کشور نیز شوند.

روش کاری اتاق‌های تسویه پایاپای

پس از توافق بین حاکمیت‌های دو کشور، نهاد مالی ویژه‌ای توسط هریک از دو کشور شکل می‌گیرد. این نهاد که وظیفه آن تشکیل دو حساب ویژه واریز و برداشت است، عملیات حسابداری و مالی، فرایندهای تجاری و بازرگانی و ارائه خدمات اعتباری اعم از اعتبار اسنادی (LC) بین دو کشور در حوزه تجارت خارجی را به عنوان کارگزار از سوی دولت متبوع خویش مدیریت می‌کند.

در اتاق‌های تسویه پایاپای هیچ تراکنشی بین دو کشور اتفاق نمی‌افتد و عملاً یک کار حسابداری در جریان مبادلات انجام می‌شود و بدون نیاز به ارزهای جهان‌روا مبادلات بین کشورها ساماندهی می‌شود بنابراین در اتاق تسویه پایاپای یک حساب واریز در داخل کشور و حساب برداشت در کشور مقابل افتتاح می‌شود. عملیات حسابداری برای این حساب ویژه بر اساس یک دارایی ارزشمند باثبات مانند طلا، دلار و یا نفت خام انجام می‌شود.

مبنا قراردادن طلا یا نفت به عنوان مقیاس ارزیابی، به منظور جبران ضرر هریک از کشورها در صورت سقوط ارزش پول ملی کشور دیگر اهمیت می‌یابد. ضمانت جبران کاهش ارزش پول موجود در هریک

الزامات توسعه اقتصاد فضای مجازی در ایران



اول: فرهنگ سازی و توسعه اخلاق

فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی از اجزای اصلی رشد پایدار در اقتصاد دانش بنیان به شمار می‌روند. جوامع مبتنی بر نوآوری، اولویت بیشتری را به خلاقیت در شکل ایده‌ها، مفاهیم، دانش، نظریه‌ها و مدل‌های کسب و کار جدید می‌دهند. در این محیط تمرکز اصلی سیاست‌ها بر سه موضوع مهم است: کاهش اثرات نامطلوب اجتماعی شکست، کمک به فرآیندهای کارآفرینی و نوآوری و اعطای پاداش به رفتارهای خلاق، نوآور و کارآفرین.

دوم: تدوین قوانین و مقررات مناسب

با توجه به موانع موجود در فضای اقتصاد دیجیتال، دولت در حوزه قانونگذاری باید رویکردی فعالانه همگام با تغییر فناوری‌ها داشته

دیجیتالی سازی اقتصاد با هدف رشد اقتصادی و اشتغال از مسائل مهم اقتصاد فضای مجازی است. در این گزارش به شش الزام توسعه اقتصاد دیجیتال می‌پردازیم.

به گزارش خبرگزاری تسنیم «پرونده حکمرانی فضای مجازی»، امروزه دیجیتال سازی اقتصاد با رویکرد ارتقای بهره‌وری، افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال به عنوان یکی از رویکردهای غالب در اغلب کشورهای جهان درآمده است. با توجه به ساختارهای سنتی حاکم بر تولید و تجارت کشور و پایین بودن توان رقابتی اقتصاد که با پایین بودن نرخ رشد بهره‌وری، رشد اقتصادی نازل و نرخ بیکاری بالا به ویژه نرخ بیکاری دانش‌آموختگان همراه است، توسعه اقتصادی دیجیتال برای حل بخشی از مشکلات کشور در این یک الزام است. در این گزارش به الزامات اقتصاد دیجیتال می‌پردازیم:

دارد. نکته قابل توجه در شاخص های یاد شده این است که آنها تنها تصویری از تحولات ابزارها و زیرساخت های دسترسی به ارتباطات و فناوری را نشان می دهد، اما اینکه بر جامعه و اقتصاد چه آثاری دارند، پوشش نمی دهد. بنابراین برای ارزیابی اقتصاد دیجیتال و تحولات آن نیاز به شاخص هایی است که بتواند همه وجوه آن را تبیین کند. زیرساخت ها یا توان دسترسی (ابزارهای ارتباطی تلفن، پهنای باند، رایانه و اینترنت) و میزان به کارگیری یا شدت مصرف فناوری دیجیتال و توانمندی یا دانش استفاده از فناوری از جمله وجوه اقتصاد دیجیتال است.

پنجم: پلتفرم مناسب

پلتفرم در توسعه اقتصاد دیجیتال نقش اساسی دارد. پلتفرم های دیجیتال نظاماتی هستند که نهادها و موجودیت ها روی آن ساخته می شوند و برای همه دسترس پذیر است. پلتفرم موفق آن پلتفرمی است که به وسیله افراد توانمند، نوآوری را افزایش می دهد، کسب و کارها را ایجاد می کند و ایده های جدید را پرورش می دهد و به تبع آنها، بازارها و جامعه را تغییر می دهد. نقش پلتفرم در اقتصاد دیجیتال شامل سهولت در انتقال، محاسبات ابری، شبکه های اجتماعی و محاسبه های مربوط به داده های حجیم دانسته شده است.

ششم: توسعه شبکه پهن باند

در سیاست ها و راهبردهای مربوط به رونق بخشی به تقویت زیرساخت ها در جهان الکترونیکی بحث پهن باند مطرح می شود. جهان الکترونیکی کارآمد نیازمند برخورداری از زیرساخت های پایه ای مناسب برای رسیدگی به امور شهروندان یا فراهم کردن شبکه های قدرتمندی است که در سایه آن کسب و کارها قادر به انجام فعالیت باشند. یک نقطه قانونی مهم، سیاست های موفق فناوری اطلاعات مربوط به سوئد، دانمارک و بلژیک است که شبکه های ارتباطی با پهنای باند متراکم در سراسر کشورشان فراهم کرده اند. در کشور ما این مهم، با راه اندازی شبکه ملی اطلاعات امکانپذیر خواهد بود. اصل آن است که دولت مسئول تضمین در دسترس بودن این زیرساخت ها در سراسر کشور باشد؛ هر چند گسترش پهنای باند باید در وهله نخست برای بازیگران بازار تامین شود.

باشد. نقش دولت در توسعه صنعت دانش و تجارت الکترونیکی با محوریت تنظیم این صنعت است. به نظر می رسد دولت ها باید بر حوزه هایی تمرکز کنند که به تنهایی قادر به اداره آن باشند، یعنی ارائه چارچوب قانونی شفاف، اجرای قوانین، حمایت از مالکیت معنوی و سیاست های رقابتی صحیح.

با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، هر روزه مدل ها و روش های کسب و کار جدید با ایده های انتزاعی تر و مفهومی تر پدیدار می شوند. تنظیم مقررات مربوط به تایید امضاهای الکترونیکی، یکی از موضوعات کلیدی کشورها تلقی می شود. در این فرآیند، کشورها یکی از این سه رویکرد را اتخاذ کرده اند: رویکرد حداقلی که تمرکز اصلی آن بر حذف موانع قانونی موجود است. رویکرد تجویزی، یعنی تجویز فناوری یا پروتکل خاص و یا رویکرد ترکیبی و دو لایه ای است.

سوم: شبکه سازی

از نظر کارشناسان در قلب اقتصاد دیجیتال یک مجموعه ای از روابط پیچیده ای و پویایی وجود دارد. این روابط در سراسر اقتصاد تسری پیدا می کند و اپراتورهای شبکه، خرده فروشان، عرضه کنندگان کارت های اعتباری، شرکت های پشتیبان و مشتری ها را به هم متصل می کند.

شبکه ها مسیری را فراهم می کنند که طی آن، مصرف کنندگان قادر هستند به شبکه خدمات متصل شوند اعم از اینکه آنچه آنها می خواهند و آنچه آرزو دارند، دسترسی داشته باشند. در نظریه های اقتصادی، شبکه ها؛ یعنی ارائه خدمات که روی شبکه انتقال می یابد و به صورت کالاهای همگن در نظر گرفته می شود. کیفیت ارائه خدمات در شبکه از بعد سرعت، کیفیت و قابل اعتماد بودن متفاوت است.

چهارم: زیرساخت های الکترونیکی

در اندازه گیری جامعه اطلاعاتی شاخص های اشتراک تلفن همراه، اشتراک تلفن ثابت، اشتراک تلفن ثابت فعال در پهنای باند، اشتراک تلفن همراه فعال در پهنای باند و استفاده از اینترنت به عنوان مهمترین شاخص های اصلی و زیرساختی اقتصاد دیجیتال معرفی شده است. این شاخص ها در گزارش اندازه گیری جامعه اطلاعاتی که هر ساله توسط اتحادیه جهانی مخابرات منتشر می شود، وجود

الگوی تجاری پنج غول فناوری اطلاعات دنیا در فضای مجازی چیست؟



درآمد صنعت تبلیغات ایالات متحده آمریکا را به دست آوردند. اگر چه شیوه تبلیغات این دو شرکت در عمل بسیار با یکدیگر تفاوت دارد، اما نقطه اشتراک آنها این است که هر دو بیشتر سود خود را از راه تبلیغات گسترده، کسب می کنند. این آمار برای فیس بوک و گوگل، به ترتیب ۹۷ و ۸۸ درصد از کل درآمد سالانه است. گوگل در طول روز کاربران را در یافتن پاسخ حدود سه و نیم میلیارد جستجو یاری می کند. این شرکت این خدمات را رایگان عرضه می کند و از متقاضیان برای بیشتر دیده شدن در فضای مجازی به ازای هر کلیک کاربران پول دریافت می کند.

فیس بوک

فیس بوک در میان رسانه های نوین، شباهت بیشتری به انواع سنتی خود دارد. روش تبلیغات این شرکت بر جلب

شرکت های بزرگ فناوری اطلاعات ایالات متحده آمریکا، الگوهای تجاری مجزایی برای درآمدزایی دارند که در این گزارش به تبیین این الگوها می پردازیم. به گزارش خبرگزاری تسنیم؛ شرکت های فناوری اطلاعات و ارتباطات ایالات متحده آمریکا موسوم به آگفام (آمازون، گوگل، فیس بوک، اپل و مایکروسافت) در عرصه فضای مجازی داخلی و بین المللی، الگوهای تجاری مختلفی را برای درآمدزایی و کسب و کار مد نظر قرار داده اند. در این گزارش به طور مختصر به الگوهای تجاری این پنج غول فناوری اطلاعات دنیا اشاره می کنیم:

گوگل

الگوی تجاری گوگل تمرکز بر تبلیغات است. شرکت گوگل به همراه فیس بوک، در سال ۲۰۱۷، حدود ۶۳ درصد از کل

فرعی، تنها سهمی ۱۱ درصدی از سود این شرکت را شامل می‌شود. شرکت اپل همه خدمات سخت افزاری خود را در راستای برندسازی و افزایش فروش محصولات اصلی خود انجام می‌دهد.

مایکروسافت

شرکت مایکروسافت، الگوی منابع درآمدی متعدد و گسترده ای را در دستور کار دارد. این شرکت طیف وسیعی از محصولات و خدمات مانند رایانه‌های سرفیس، سرویس‌های ابری آژور، انواع نرم افزار، کنسول‌های بازی و تبلیغات موتور جستجوی خود را به مشتریان ارائه می‌دهد.

البته بر شرکت مایکروسافت، انتقادات جدی حتی در ایالات متحده مطرح است. برای نمونه مایکرو سافت نخستین شرکت است که برای همکاری با سازمان امنیت ملی آمریکا در راستای اجرای طرح جاسوسی «پریزم» اعلام آمادگی کرده است.

بر اساس اسناد افشا شده از سوی گاردین و واشنگتن پست، مایکروسافت نخستین شرکتی است که در پروژه جاسوسی دولت آمریکا از افراد خارجی حاضر در این کشور حضور یافته است. علاوه بر این مقامات مسئول نیز پس از اذعان به صحت این خبر ادعای مطرح شده در مورد مایکروسافت را نیز تایید کردند. این مساله موجب اعتراضات گسترده در امریکا حتی در خود مجموعه مایکروسافت شده است.

آمازون

شرکت آمازون، تمرکز خود را بر خرده فروشی کالا در بستر اینترنت معطوف کرده است. آمازون ۷۰ درصد از درآمد خود را از این راه به دست می‌آورد. این در حالی است که میزبانی خدمات وب آمازون و رایانش ابری نیز از جمله فعالیت های اقتصادی این شرکت محسوب می‌شود و ۹ درصد از سهم درآمد این شرکت را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، فعالیت‌های رسانه‌ای این شرکت، حدود ۱۸ درصد باقیمانده از درآمد ۱۳۶ میلیارد دلاری این شرکت را تأمین می‌کند. بخش رسانه‌ای فعالیت‌های اقتصادی آمازون، درآمدی ۲۴ میلیارد دلاری برای این شرکت به ارمغان می‌آورد.

توجه حداکثری مخاطبان و فروش این توجه به شرکت‌های متقاضی انتشار آگهی مبتنی است. در واقع می‌توان این شیوه را رویکردی مشابه نسل گذشته رسانه‌ها یعنی تلویزیون و رادیو دانست. شرکت فیس بوک، مانند دیگر رسانه های سنتی، هزینه تبلیغات را بر اساس میزان بازدید کاربران تعیین می‌کند. توانایی فیس بوک در این میان قدرت بالای تحت تأثیر قرار دادن اقلیت‌ها و گروه‌های خاص در جریان انتشار تبلیغات است. الگوی یاد شده دقیقاً با عملکرد رسانه های اجتماعی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا کاملاً مشهود و روشن است.

وضعیت رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد فیس بوک به عنوان بزرگترین رسانه اجتماعی دنیا با بیش از ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون کاربر توسط دو محصول دیگرش یعنی واتساپ و مسنجر، ۴ رتبه اول دنیا را قبضه کرده است و تنها یوتیوب (محصول گوگل) به عنوان شبکه اجتماعی اشتراک ویدئو در میان آنهاست.

اپل

شرکت اپل، بر خلاف همتایان فعال خود در عرصه تبلیغات یعنی گوگل و فیس بوک، یک شرکت فناوری تولید کننده سخت‌افزار است. این شرکت بر اساس آمار حدود ۸۴ درصد از درآمد خود را از راه فروش تلفن‌های همراه هوشمند آیفون، آی پد و رایانه‌های مک به دست می‌آورد. سود حاصل از این نوع فعالیت های اقتصادی، سبب تفاوت محسوس استراتژی اپل از سایر بزرگان فعال در حوزه های غیر سخت افزاری می‌شود. تلفن های همراه آیفون با وجود همه گیر بودن در برخی از طبقات خاص اجتماعی، تنها ۲۰ درصد از فروش جهانی این محصول ارتباطی را به خود اختصاص داده است. این سهم در بازار ایالات متحده، در خوشبختانه ترین حالت به ۳۰ درصد می‌رسد.

البته فعالیت‌های اپل بجز سخت‌افزار موارد دیگری نیز شامل می‌شود که از جمله می‌توان به تجارت پخش موسیقی، فروشگاه اختصاص اپلیکیشن‌های سیستم عامل ای.او.اس موسوم به اپ استور، بستر فروش کتاب‌های دیجیتال و خدمات پس از فروش اشاره کرد. ولی این فعالیت‌های تجاری

تجربه موفق سیاست صنعتی در شرق آسیا در سایر کشورها قابل تکرار است؟

الگوی توسعه آسیای دور



در صورت ناکارآمدی به‌طور کل به بنگاه اقتصادی دیگری واگذار کنند. اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فاقد چنین استقرار سیاسی هستند. در چارچوبی که برای استقرار سیاسی ایران مطرح می‌شود، مشخص است توانمندی اجرای دولت در استقرار سیاسی فعلی محدود بوده و احتمال تسخیر سیاست‌های حمایتی می‌رود. بر این اساس یکی از گزینه‌های کم‌ریسک‌تر می‌تواند تمرکز سیاست‌های حمایتی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد که در صنایع با فناوری‌های ساده و میان‌رده فعال بوده و از ارتباطات سیاسی محدودی برخوردارند.

آیا تجربه موفق به کارگیری سیاست صنعتی در کشورهای شرق آسیا در کشورهای دیگر قابل تکرار است؟ بازوی پژوهشی مجلس در پاسخ به این سوال دو رویکرد متفاوت را مورد بررسی قرار داد. رویکرد اول براساس مطالعه تجربه موفق همین کشورها، موسوم به دولت‌های توسعه‌گرا شکل گرفته و استدلال می‌کند که وجود یک دولت توسعه‌گرای مقتدر که متعهد به توسعه صنعتی بوده و

دنیای اقتصاد : مطالعات صورت گرفته درخصوص تجربه موفق کشورهای شرق آسیا مشهور به دولت‌های توسعه‌گرا، اطلاعات زیادی در مورد نقش مؤثر دولت در صنعتی شدن در اختیار ما گذاشته است، اما با این حال امکان تکرار این تجارب در کشورهای در حال توسعه دیگر با هاله‌ای از ابهام روبه‌رو است. با اینکه بعضی از اندیشمندان توسعه مانند چانگ (نظریه‌پرداز توسعه) معتقدند تکرار تجربه کره در کشورهای در حال توسعه دیگر ممکن است، محققان برجسته دیگری مانند مشتاق حسین خان، با دیده شک و تردید به این ایده می‌نگرند.

خان معتقد است اگر کره جنوبی توانسته در به کارگیری سیاست صنعتی موفق باشد، به‌خاطر استقرار سیاسی خاص این کشور در آن دوران بوده که به‌طور همزمان اجازه حمایت گسترده و در عین حال انتظام بنگاه‌های اقتصادی را برای دولت ممکن می‌ساخت، تا آنجا که آنها اجازه داشتند ساختار بنگاه‌های ناکارآمد را تغییر داده و در دیگر بنگاه‌ها ادغام کنند یا مدیریت یک کارخانه را

دلیل شکست سیاست صنعتی

سیاست‌های اقتصادی در بازار سیاست تعیین می‌شوند. این اولین درس اقتصاد سیاسی است. بازیگران اصلی در این بازار گروه‌های قدرتمندی هستند که با اثرگذاری بر سیاست‌ها به دنبال حفظ یا افزایش نفع خود هستند. هر تغییر سیاستی توزیع منافع در جامعه را تغییر می‌دهد و در نتیجه موجب واکنش گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. این واکنش می‌تواند به شکل حمایت از سیاست، مقاومت در برابر اجرای آن یا منحرف ساختن سیاست صورت گیرد. آگاهی نسبت به این بازیگران و تاثیری که بر «تعیین» و «عملکرد» یک سیاست یا نهاد می‌گذارند اساس تحلیل اقتصاد سیاسی است. در مساله حمایت از تولید و به‌طور ملی سیاست صنعتی، اهمیت اقتصاد سیاسی موضوع دوچندان است، زیرا این سیاست‌ها اولاً تأثیر بسزایی بر توزیع منافع اقتصادی در جامعه می‌گذارند و ثانیاً رشد و پیشرفت کشور تا حد زیادی در گرو عملکرد مناسب این سیاست است. حال سوال اینجاست که در چه شرایطی سیاست حمایت از تولید در اهداف اصلی خود یعنی انتقال و جذب فناوری، تشویق یادگیری و در نهایت افزایش رقابت‌پذیری صنایع موفق خواهد بود؟

در ابتدا باید توجه کرد که اکثر سیاست‌های حمایتی، از تعرفه گرفته تا مشوق‌های صادراتی، نظام انگیزشی متناقضی را به همراه دارند. از یک طرف، این سیاست‌ها برای ارتقای بهره‌وری و کسب رقابت‌پذیری بنگاه ایجاد شده‌اند، از طرف دیگر بنگاه می‌داند که جایزه موفقیت در رقابت‌پذیر شدن حذف حمایت است. از این‌رو بنگاه انگیزه زیادی دارد که به جای تلاش برای جذب فناوری و ارتقای بهره‌وری، منابع خود را صرف رفتار رانت‌جویانه به‌منظور حفظ رانت کند و به همین دلیل است که سیاست صنعتی کارآمد را ترکیبی متناسب از چماق و هویج می‌دانند. با اینکه معمولاً توزیع هویج آنچنان مشکل نیست، اما استفاده از چماق یا همان انتظام بنگاه ناکارآمد برای دولت‌ها آسان نبوده و فقدان این توانمندی یکی از دلایل اصلی شکست سیاست صنعتی در کشورهاست. «توانمندی انتظام» به توانایی دولت در تنبیه بنگاه‌های مورد حمایت که عملکرد مناسبی ندارند، اطلاق می‌شود. تنبیه می‌تواند به شکل قطع حمایت یا کاهش آن انجام گیرد. در تاریخ موارد بی‌شماری از به‌کارگیری سیاست صنعتی وجود دارد که بنگاه اقتصادی از رانت دولتی استفاده کرده، اما تلاشی برای ارتقای بهره‌وری انجام

توانمندی مدیریت رانت مولد را داشته باشد برای موفقیت سیاست صنعتی ضروری است. حامیان این رویکرد درمورد دولت‌هایی که فاقد این توانمندی‌ها هستند، یا توصیه به عدم به‌کارگیری سیاست صنعتی کرده‌اند یا معتقد هستند اگر این دولت‌ها به اندازه کافی تلاش کنند، امکان تکرار تجربه موفق کشورهای شرق آسیا وجود دارد. با این حال موارد متعدد شکست سیاست صنعتی در چند دهه اخیر - شرایطی که سیاست‌های حمایتی به تسخیر بنگاه اقتصادی درآمده و در نتیجه بنگاه ناکارآمد به واسطه تضمین تداوم رانت به زندگی راحت خود ادامه می‌دهد - باعث شده تا در عملی بودن توصیه این اقتصاددانان دگراندیش بتوان شک کرد. در مقابل، نظریه استقرار سیاستی معتقد است که نه توانمندی دولت‌های شرق آسیا و نه نهادهای آنها در کشورهای دیگر تکرارشدنی نیستند. استقرار سیاسی منحصربه‌فرد کشورهای شرق آسیا، به دولت‌های این کشورها امکان مدیریت رانت و انتظام بنگاه‌های دریافت‌کننده رانت را می‌داد. شرایطی که در بیشتر کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. از این‌رو مشتاق حسین‌خان به‌عنوان نظریه‌پرداز رویکرد دوم با استناد به تجربه موفق بخش‌هایی از هند، بنگلادش و ویتنام استدلال می‌کند که اگر نهادهای توسعه‌ای به خوبی و با در نظر گرفتن استقرار سیاسی کشور طراحی شوند - حتی اگر دولت توسعه‌گرای مقتدر وجود نداشته باشد - احتمال موفقیت وجود دارد. از این‌رو کشورهای خواهان صنعتی‌شدن باید به طراحی نهادهای توسعه‌ای با توجه به بستر منحصربه‌فرد خودشان همت گمارند. چارچوب استقرار سیاسی به منظور شناخت بستر کشورهای در حال توسعه و تدوین نهاد متناسب با آن ایجاد شده است. از این منظر، علت اختلاف عملکرد نهادهای به ظاهر مشابه در کشورهای مختلف را در بستر متفاوت این کشورها باید جست‌وجو کرد. با اینکه هنجارها و توانمندی دولت می‌تواند در عملکرد یک نهاد تأثیرگذار باشد، اما از منظر چارچوب استقرار سیاسی، «نحوه توزیع قدرت» تعیین‌کننده اصلی است. به عبارت دیگر، اگر به‌کارگیری یک سیاست یا نهاد، منافع گروه‌های قدرتمند را تهدید کند، این گروه‌ها احتمالاً در برابر اجرای آن مقاومت کرده یا آن را منحرف می‌کنند. از این‌رو در انتخاب هر نوع سیاست یا نهادی (مانند سیاست صنعتی) باید به این توزیع قدرت بین سازمان‌ها توجه کرد. چارچوب استقرار سیاسی ابزار لازم برای این تحلیل نهادی را فراهم می‌کند.

نداده و با این حال دستگاه دولتی قادر به قطع حمایت از آن بنگاه نبوده است. فقدان توانمندی انتظام می‌تواند دو دلیل اصلی داشته باشد. عدم تقارن اطلاعاتی: برای اطمینان از تلاش بنگاه اقتصادی به‌منظور افزایش بهره‌وری، نیاز به توانایی ارزیابی و بررسی دقیق از عملکرد بنگاه است. پیچیدگی مساله نظارت و همچنین محدودیت امکانات بخش دولتی، موجب بروز پدیده عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. در واقع بنگاه اقتصادی می‌تواند از ناآگاهی مجری سیاست صنعتی برای توجیه ناکارآمدی خود استفاده و رانت خود را حفظ کند. رفتار رانت‌جویانه: در صورتی که بنگاه اقتصادی از قدرت و نفوذ سیاسی کافی برخوردار باشد، احتمالاً می‌تواند با لابی کردن با مجری سیاست، از رانت خود محافظت کند. در این حالت دیگر نیازی نمی‌بیند که برای یادگیری و ارتقای بهره‌وری تلاش کند و صرفاً بخشی از منابع خود را صرف حفظ رانت می‌کند. یکی از مهم‌ترین ایرادهای مخالفان سیاست صنعتی، همین تشویق رفتار رانت‌جویانه است که به تسخیر سیاست صنعتی منجر می‌شود. عدم توانایی انتظام بنگاه نتیجه مستقیم رفتار رانت‌جویانه است. قطع حمایت از بنگاه‌های ناکارآمد نه تنها موجب فشار به بنگاه‌ها می‌شود تا برای ارتقای بهره‌وری تلاش بیشتری به‌خرج دهند، بلکه منابع دولتی برای حمایت از بنگاه‌های دیگر را که تا به حال حمایت نشده‌اند آزاد می‌کند. به قول دنی رودریک، موفقیت سیاست صنعتی بیش از آنکه در گرو انتخاب برنده‌ها باشد، منوط به رها کردن بازنده‌هاست.

مسیر موفقیت توسعه صنعتی

اندیشمندان توسعه با مطالعه تجربه‌های موفق به‌کارگیری سیاست صنعتی، نظریه‌هایی ارائه کرده‌اند که تا حدی می‌تواند به تقویت توانمندی انتظام و کارآمدی حمایت از تولید کمک کند. این رویکردها را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته «دولت‌های توسعه‌گرای مقتدر» و «چارچوب استقرار سیاسی» تقسیم کرد.

نسلی از اندیشمندان توسعه تحت تاثیر تجربه معجزه اقتصادی کشورهای شرق آسیا به این نتیجه رسیدند که وجود یک دولت توسعه‌گرا برای نیل به توسعه ضروری است. ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور سنگ بنای نظری این دیدگاه را فراهم کردند. حتی این حقیقت که کره، تایوان و سنگاپور هر سه دارای حکومت‌های دیکتاتوری بودند بعضی را به این نتیجه

رسانده که رویکرد دولت توسعه‌گرا نیازمند دیکتاتوری بوده و با مردم‌سالاری ناسازگار است. هرچند این ایده حتی درخصوص نمونه‌های کلاسیک دولت‌های توسعه‌گرا مانند ژاپن و فرانسه حقیقت ندارد. با این حال دولت متعهد به ارتقای صنعتی، توانمند در اجرای سیاست صنعتی و به‌کارگیری جزیره‌ای از بوروکرات‌های شایسته جزء لاینفک دولت‌های توسعه‌گرا محسوب می‌شود.

طبق ارزیابی‌ها یکی از مشکلات اصلی کشورهای درحال توسعه برای به‌کارگیری سیاست صنعتی، فقدان بوروکرات‌های کارآمد در این کشورهاست. معمولاً کشورهای درحال توسعه با کارمندان نه‌چندان شایسته و بوروکراسی کند و ضعیف شناخته می‌شوند. با توجه به مطالعات صورت گرفته درخصوص دولت‌های توسعه‌گرا مشخص شد که این ویژگی شامل سازمان‌های دولتی این کشورها نیز می‌شد، اما مساله اینجا بود که آنها توانسته بودند تعداد محدودی از بوروکرات‌های شایسته را گرد هم آورده و فضای مورد نیازشان برای کارآمدی را فراهم آورند. آنچه که بعدها به «جزایر شایستگان» معروف شد.

اما نظریه استقرار سیاستی و عملکرد نهادی درخصوص مباحث توسعه صنعتی چه می‌گوید؟ در پاسخ به این پرسش باید چند سوال دیگر را مطرح کرد. چرا سیاست صنعتی در کره جنوبی موفق اما در پاکستان ناموفق بوده است؟ به‌طور کلی‌تر استراتژی توسعه با هدایت دولت چرا در کشورهای شرق آسیا موفق، اما در دیگر نقاط دنیا دستاورد چندانی نداشت؟ چارچوب استقرار سیاسی برای تحلیل عملکرد نه‌چندان موفق نهادها و سیاست‌ها در کشورهای درحال توسعه به‌وجود آمده است. توزیع قدرت سازمانی گروه‌های درگیر، در یک بخش، تعیین می‌کند که این گروه‌ها براساس «منافع» و «توانمندی» خود از یک سیاست یا نهاد خاص حمایت یا در برابر آن مقاومت کرده و یا آن را منحرف می‌کنند. از این‌رو با فهم توزیع قدرت سازمانی می‌توان به دلایل عملکرد نه‌چندان موفق یک سیاست یا یک نهاد در یک بستر سیاسی خاص پی برد. این تحلیل با تحلیل‌های مرسوم متفاوت است که عدم موفقیت یک سیاست یا نهاد را به توانمندی دولت‌ها یا عوامل فرهنگی محدود می‌کنند.

شاید عبارت «نهادها به خوبی سفر نمی‌کنند» نقطه آغاز خوبی برای ورود به این بحث باشد. به عبارت دیگر نهادها یا سیاست‌ها



آمدن انواع مختلفی از استقرار سیاسی حامی پرور شده که عملکرد اقتصادی متفاوتی دارند.

درس‌هایی برای کارآمدی نهادها در ایران

تحلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران در تطبیق با نظریه استقرار سیاسی، نیازمند یک مطالعه تاریخی عمیق است که در چارچوب این گزارش نمی‌گنجد. با این حال کم و بیش می‌توان با تبیینی که از مفهوم نظریه استقرار سیاسی در این گزارش ارائه شد، به‌طور مختصر و کلی چند گزاره را در این خصوص مطرح کرد. از منظر پیکربندی اقتصادی، فعالان اقتصادی از توانمندی فناوری پایین تا متوسط برخوردار بوده و عموماً روابط سیاسی خوبی دارند. از این ترکیب استقرار سیاسی می‌توان به چندین گزاره کلی در مورد کارآمدی نهادهای حامی رشد رسید.

۱- ویژگی ساختار حامی‌پرور رقابتی، افق زمانی کوتاه‌مدت و توانمندی اجرایی پایین دولت است. زیرا همواره دولت‌ها باید نگران افزایش پایگاه رأی جناح رقیب باشند و در نتیجه توان و تمایل برای برنامه‌ریزی بلندمدت کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، تنوع موجود در ائتلاف حاکم، به‌خصوص در سطوح پایینی نیروی‌های ائتلاف، توانمندی اجرای دولت را کاهش می‌دهد. این موضوع می‌تواند بخشی از چرایی عدم تمایل دولت‌ها در کشور به برنامه‌ریزی بلندمدت و همچنین ضعف دولت در اجرا را توضیح دهد.

۲- توانمندی پایین و متوسط با ارتباطات سیاسی قوی، انتظام

در هر کشور به علت وجود بستر سیاسی متفاوت، نتایج مختلفی به همراه دارند. سیاست صنعتی که در کره جنوبی موفق بوده، در کشور پاکستان نتایج به مراتب ضعیف‌تری را به بار آورده است. با اینکه نهادهای توسعه‌ای در این دو کشور شباهت زیادی به هم داشتند، اما استقرار سیاسی متفاوت، اجازه موفقیت بلندمدت این نهادها در پاکستان را نداد. همچنین تقویت مالکیت خصوصی و آزادسازی اقتصاد که در کشورهای توسعه‌یافته آثار نسبتاً خوبی به‌جا گذاشته، در کشورهای در حال توسعه توفیق چندانی به عمل نیاورده است.

استقرار سیاسی به ترکیبی متقابل از قدرت و نهادها اطلاق می‌شود که از نظر سیاسی و اقتصادی سازگار و همچنین پایدار باشند. اگر این ترکیب نهادها و قدرت به اندازه کافی دوام نداشته باشد، استقرار سیاسی وجود ندارد. منظور از دوام، حداقل کارآمدی سیاسی و اقتصادی است که برای حفظ ساختار نهادی ضروری است. منظور از حداقل کارآمدی اقتصادی، امکان انجام فعالیت اولیه نخبگان اقتصادی و همچنین جلوگیری از وقوع بحران است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد استقرار سیاسی در کشورهای در حال توسعه از نوع حامی‌پروری است. در این حالت نهادهای رسمی قادر به تامین منافع گروه‌های قدرتمند نبوده و از این‌رو این گروه‌ها از راه‌های غیررسمی منافع خود را تضمین می‌کنند. با اینکه این ویژگی مشترک استقرار سیاسی در کشورهای در حال توسعه است، اما تنوع گروه‌های رقیب و نوع رابطه آنها با هم، موجب به‌وجود

توسعه بسیاری وجود دارند که از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا بی‌بهره هستند. در چنین شرایطی به‌کارگیری توصیه‌های رویکرد دولت‌های توسعه‌گرا احتمالاً با شکست مواجه خواهد شد.

در مقابل، رویکرد استقرار سیاسی معتقد است می‌توان با طراحی سیاست‌ها یا نهادها، متناسب با بستر کشورها نتایج بهتری کسب کرد. به عبارتی تفاوت عملکرد نهادها در کشورهای مختلف (برای مثال سیاست صنعتی) وابسته به بستر کشورهاست، اما منظور از بستر، هنجارها یا توانمندی‌ها نیست. در نظریه استقرار سیاسی، محور تحلیل نهادی، توزیع قدرت و چگونگی بازتولید قدرت از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی است. به عبارتی واکنش گروه‌های قدرتمند است که تا حد زیادی کیفیت عملکرد یک نهاد را تعیین می‌کند.

در رویکرد استقرار سیاسی دو سطح تحلیلی در نظر گرفته شده است. یک سطح استقرار سیاسی کلان که چگونگی توزیع قدرت و مزایا در سطح جامعه را نشان می‌دهد. این سطح تحلیل، دلالت‌های مهمی بر اینکه چه نوع نهادها یا سیاست‌هایی احتمالاً با مخالفت کمتری از سوی گروه‌های قدرتمند روبه‌رو می‌شوند، به‌دست می‌دهد. سطح دوم، سطح تحلیل بستری است که قرار است نهاد در آن به کار گرفته شود. برای مثال نهاد سیاست صنعتی خودرو، در بستری عمل می‌کند که بازیگران مخصوص به خود را دارد. شناخت انگیزه، توانمندی و قدرت سیاسی این بازیگران، سیاست‌گذار را به‌منظور انتخاب سیاست یا نهادی که احتمال موفقیت بیشتری دارد یاری می‌کند.

در نهایت می‌توان گفت چارچوب استقرار سیاسی با تحلیلی که از اقتصاد کلان کشور و همچنین از بستر یک نهاد مشخص به دست می‌دهد، اولاً می‌تواند دلایل ناکارآمدی نهادهای بالقوه مفید فعلی (مانند حقوق مالکیت) را توضیح دهد؛ ثانياً زمینه را برای طراحی اصلاحات حکمرانی و نهادی رشدافزا (مانند سیاست صنعتی) فراهم کند.

در مجموع باتوجه به یافته‌های گزارش و چارچوبی که برای استقرار سیاسی ایران مطرح شد، مشخص می‌شود که توانمندی اجرایی دولت در استقرار سیاسی فعلی محدود بوده و احتمال اتخاذ سیاست‌های حمایتی می‌رود. بر این اساس یکی از گزینه‌های کم‌ریسک‌تر می‌تواند تمرکز سیاست‌های حمایتی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد که در صنایع با فناوری‌های ساده و میان‌رده فعال بوده و از ارتباطات سیاسی محدودی برخوردارند.

بنگاه‌های اقتصادی حمایت‌شونده را به‌شدت مشکل می‌کند، از این‌رو عجیب نیست که حمایت‌های صورت گرفته از صنایع بانفوذی مانند خودروسازی، پتروشیمی و فولاد، تسخیر شده و به اهداف خود نرسد. چرا که همواره صنایع صاحب نفوذ می‌توانند با اتکا به قدرت لابی‌گری خود جلوی قطع سیاست‌های حمایتی را بگیرند. یکی از راه‌حل‌های این مشکل، اختصاص حمایت‌های پسینی، به‌جای حمایت‌های پیشینی است. به این معنا که حمایت، پس از رسیدن بنگاه به اهداف تعیین شده اختصاص یابد.

۳- به جز صناعی مانند خودرو، پتروشیمی، فولاد و سیمان که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده و دارای روابط نزدیک با دولت هستند، هلدینگ‌های بزرگ شبه‌دولتی هم از ارتباطات سیاسی قابل توجهی برخوردارند. از این‌رو دولت باید در اختصاص هر نوع حمایت به این نوع بنگاه‌های اقتصادی تا حد زیادی با احتیاط عمل کند و شرایط قطع یا افزایش این حمایت‌ها را به‌صورت شفاف اعلام و اعمال کند.

۴- در استقرار سیاسی فعلی که توانمندی اجرای دولت محدود بوده و احتمال تسخیر سیاست‌های حمایتی می‌رود، به نظر می‌رسد یکی از گزینه‌های کم‌ریسک‌تر، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده که در صنایع با فناوری‌های ساده و میان‌رده فعال بوده و از ارتباطات سیاسی محدودی برخوردار هستند.

پیشنهاد‌های سیاستی

«مرکز پژوهش‌های مجلس»، در این گزارش تلاش کرده نظریه‌های مربوط به رابطه سیاست و موفقیت صنعتی را مرور کند. پیش از ورود به دو نظریه اصلی در این رابطه، مفهومی به نام «توانمندی انتظام» تبیین شد. توانمندی انتظام به معنای توانایی دولت در اعمال فشار بر بنگاه گیرنده رانت است تا تلاش زیادی برای جذب فناوری و ارتقای بهره‌وری به‌عمل آورد. فقدان این توانمندی در اکثر کشورهای در حال توسعه، یکی از مشکلات اصلی ناکارآمدی سیاست صنعتی در این کشورهاست.

برای حل این مشکل دو رویکرد کلی در ادبیات به چشم می‌خورد. رویکرد اول از مطالعه تجربه موفق کشورهای شرق آسیا، موسوم به دولت‌های توسعه‌گرا پدید آمد. در این رویکرد وجود دولت توسعه‌گرای مقتدر با ویژگی‌های خاص خود برای موفقیت سیاست صنعتی ضروری محسوب شد. به عبارت دیگر، نظام سیاسی باید توانمندی مدیریت توسعه‌ای رانت را داشته باشد. با این حال کشورهای در حال

بانک مرکزی خبر داد

اعلام ضوابط جدید اجرای صدور و نقل و انتقال چک



صادرکنندگان و دریافت کنندگان چک را به سامانه صیاد فراهم کرده است.

با توجه به اینکه به موجب مفاد ماده یادشده صدور و انتقال هر برگه چک مستلزم ثبت در «سامانه صیاد» است، از تاریخ بیست و دوم آذرماه سال جاری، صادرکنندگان و دریافت کنندگان چک موارد زیر را مدنظر قرار دهند:

۱- براساس تبصره ۱ ماده فوق، از تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۹۹ ضروری است تمام چکها در وجه ذینفع مشخص صادر شوند. همچنین ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشتنویسی چک خواهد بود.

بانک مرکزی و شبکه بانکی به منظور اجرای قانون جدید، تمهیدات لازم را برای ثبت چک در «سامانه صیاد» توسط دارندگان چک فراهم کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از بانک مرکزی، بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور در راستای اجرای ماده ۲۱ مکرر قانون «اصلاح قانون صدور چک»، مصوب مورخ سیزدهم آبان ماه یک هزار و سیصد و نود و هفت «مجلس شورای اسلامی»، نسبت به آماده سازی زیرساختها و درگاههای ارتباطی به منظور اجرای تکالیف قانونی برعهده نظام بانکی کشور اقدام و امکانات لازم برای ایجاد دسترسی

یاد شده با ثبت مشخصات ذینفع جدید (ثبت شناسه / کد ملی وی) برای وی فراهم است.

× شناسایی دریافت کننده چک و حصول اطمینان از تأیید اطلاعات چک توسط وی مستلزم انجام فرایند احراز هویت توسط بانک و یا برنامه موبایلی است، که احراز هویت در برنامه های موبایلی به صورت زیر انجام می شود:

الف- انطباق شماره تلفن دریافت کننده چک با کد ملی وی؛
ب- استفاده از یکی از کارت های بانکی دریافت کننده چک.

به عبارت دیگر دریافت کننده چک می تواند با به کارگیری یکی از کارت های بانکی متعلق به خود و با استفاده از سیم کارت که به نام وی ثبت شده است، اقدام به تأیید اطلاعات چک و یا انتقال آن به شخص دیگر در سامانه صیاد کند.

با توجه به اهمیت چک در مبادلات تجاری کشور به عنوان یکی از ابزارهای پرداخت غیرنقدی و مهم در نظام پرداخت کشور، نظرداشت معضلات و مشکلات اقتصادی ناشی از بیماری کرونا برای برخی از کسب و کارها و همچنین در راستای فرهنگ سازی و ایجاد فرصت مناسب به منظور برقراری ارتباط عموم مردم با سامانه صیاد، ضمن تأکید بر ضرورت ثبت اطلاعات چک توسط صادرکنندگان آن در سامانه ذکر شده براساس روال اجرایی تمهید شده به شرح فوق، بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور حداکثر تعامل و همکاری لازم را با عموم مردم به منظور پیشگیری از بروز هرگونه چالش های احتمالی ناشی از اجرای فرایند ثبت و نقل و انتقال چک را به عمل می آورد و کارسازی چک ها تا اطلاع ثانوی همانند گذشته تداوم می یابد.

۲- تمام دارندگان دسته چک موظفند پس از صدور چک، اطلاعات چک صادر شده را به همراه اطلاعات دریافت کننده آن (شامل شناسه ملی / کد ملی ذینفع، مبلغ و تاریخ سررسید) در «سامانه صیاد» ثبت کنند. بدین منظور صادرکننده چک می تواند از طریق درگاه های نوین بانک افتتاح کننده و نگهدارنده حساب جاری وی (شامل اینترنت بانک و همراه بانک) و یا برنامه های موبایلی فعال در حوزه پرداخت کشور به سامانه یاد شده دسترسی داشته و نسبت به ثبت چک اقدام کند.

× شناسایی صادرکننده چک و حصول اطمینان از ثبت اطلاعات چک توسط وی مستلزم انجام فرایند احراز هویت توسط بانک و یا برنامه موبایلی است، که احراز هویت در برنامه های موبایلی به صورت زیر انجام می شود:

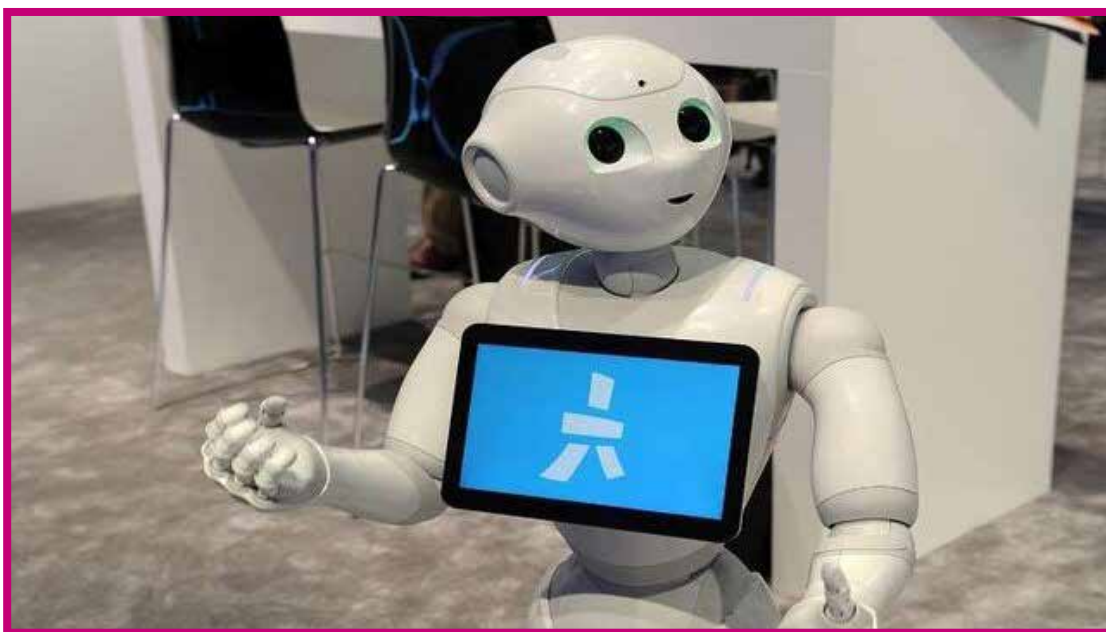
الف- انطباق شماره تلفن صادرکننده چک با کد ملی وی؛
ب- استفاده از یکی از کارت های بانکی صادرکننده چک.

به عبارت دیگر صادرکننده چک می تواند با به کارگیری یکی از کارت های بانکی خود که توسط بانک صادرکننده چک در اختیار وی قرار گرفته و با استفاده از سیم کارت ثبت شده به نام وی، اقدام به ثبت اطلاعات چک در «سامانه صیاد» کند.

۳- به منظور بررسی صحت اطلاعات چک ثبت شده، دریافت کننده چک امکان اخذ استعلام از «سامانه صیاد» را داشته و پس از حصول اطمینان از تطبیق اطلاعات ثبت شده با اطلاعات مندرج در برگه چک نسبت به تأیید اطلاعات چک دریافتی اقدام می کند. همچنین چنانچه دریافت کننده چک پس از تأیید اطلاعات آن، متمایل به انتقال چک به شخص دیگری باشد، این امکان در سامانه



تأثیر رباتیک و هوش مصنوعی بر آینده مشاغل



وجه نقد از حساب‌های بانکی‌شان به ماشین‌آلات مراجعه می‌کنند و انجام معاملات تا حد زیادی مکانیزه شده است. در حالی که کارهای زیادی در صنعت خدمات هنوز بر اساس نیروی انسانی است، فرآیند تولید اما بسیار خودکار و ماشینی شده است. در حالی که هنوز هم ممکن است برای انجام بسیاری از عملیات تجاری به انسان نیاز باشد، نیروی انسانی کمترین اهمیت را نسبت به هر زمانی در تاریخ بشر داشته است.

طبق اعلام مرکز ملی فضای مجازی، پیشرفت‌های اخیر در زمینه رباتیک، هوش مصنوعی و اتوماسیون فناوری‌ها (یا به اختصار RAIA) به شرکت‌های بخش‌های مختلف اقتصاد اجازه داده‌اند تا RAIA را برای رسیدن به هزینه‌های کمتر، زمان تولید سریع‌تر، تامین کیفیت ثابت محصولات، مدیریت

تغییرات بزرگی ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایجاد شده است که انسان‌ها باید از آنها آگاه باشند و باید خود را با آن سازگار کنند. اگرچه انسان در آینده نزدیک به دلیل توانایی جسمی در انجام کارهایی که بسیاری از روبات‌ها به سختی می‌توانند آن را انجام دهند، ارزشمند خواهد بود، اما سیلی از نیروی کار آواره‌ای که توسط روبات‌ها و هوش مصنوعی مشاغلشان را از دست خواهند داد نیز به وجود خواهد آمد.

به گزارش ایسنا، نیروی کار انسانی عمدتاً توسط ماشین‌هایی جایگزین شده که مصرف‌کنندگان می‌توانند آن را درک کنند و این روند برای دهه‌ها ادامه داشته است. برای مثال، بسیاری از مردم خاطره‌ای از مراجعه به بانک در ساعات فعالیت بانک برای برداشت وجه نقد دارند. اکنون، مصرف‌کنندگان مرتباً برای برداشت

نظرات متفاوت کارشناسی درباره اقتصاد مبتنی بر ربات‌های خودکار

نظرات کارشناسان در مورد اقتصاد و جامعه مبتنی بر ربات‌های خودکار متفاوت است. یک گروه از محققان به صراحت ترسشان از فناوری‌های هوش مصنوعی را ابراز می‌کنند، هوش مصنوعی خودآگاه را «آخرین اختراع انسان» می‌دانند و سناریوهایی آخرالزمانی شبیه فیلم‌های ترمیناتور را برای گونه‌های انسانی ترسیم می‌کنند. از سمت دیگر، گروهی از کارشناسان بیش از حد خوش بین هستند و فناوری را آخرین راه‌حل آرمان‌شهرانه برای همه مشکلات بشر، از جمله از طریق ادغام بین انسان و ماشین تصور می‌کنند.

با این حال، اکثر نویسندگان رویکرد عمل‌گرایانه‌تری را در پیش می‌گیرند و فرصت‌هایی را می‌بینند که هوش مصنوعی و اقتصادشناسی به‌عنوان یک سیستم اقتصادی فراهم می‌کند، مانند امید به زندگی طولانی‌تر، بهبود سلامت و کیفیت زندگی، داشتن زمان بیشتر برای فعالیت‌هایی که مردم برای آنها ارزش قائل هستند، فقط چند مورد از این فرصت‌هاست، اگرچه فراوانی بیش از حد کالاها و خدماتی که کارشناسان فناوری وعده می‌دهند، ممکن است به نفع همه سهامداران نباشد.

در این حوزه، آینده کار بشر و تأثیرات دیجیتال‌سازی و اتوماسیون در بازار کار مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. در حقیقت، در یک تحقیق که اخیراً مورد استناد قرار گرفته، ارزیابی کردند که ۴۷ درصد از مشاغل ایالات متحده در حال حاضر مستعد جایگزین شدن با رایانه هستند. برخی مشاغل به وضوح در آستانه انقراض قرار دارند. برای مثال، بر اساس داده‌های سال ۲۰۱۴

عملیات زنجیره تأمین و غیره به خدمت بگیرند. در حالی که در ابتدا این تولید بود که از روبات‌های صنعتی استفاده می‌کرد، در حال حاضر سایر بخش‌های دیگر اقتصاد و جامعه به شدت از فناوری‌های RAIA استفاده می‌کنند: از مدیریت زنجیره تأمین، کشاورزی، وسایل نقلیه خودکار، جنگ‌افزار، سفر و گردشگری، آموزش، روزنامه‌نگاری، ارائه خدمات حقوقی، تجارت در بازارهای مالی، و اجرای عملیات پزشکی.

شرکت‌های بزرگ و کوچک از چت‌بات‌ها برای برقراری ارتباط و حفظ روابط خود با مشتریان استفاده می‌کنند. ربات‌های اجتماعی به طور فعالانه وارد زندگی ما شده‌اند. این مثال‌ها در هم آمیختن فناوری‌های RAIA در ساختار جامعه را نشان می‌دهد، که منجر به تحولات عظیمی در شیوه زندگی، کار و تجارت انسان می‌شود. حتی برخی از نویسندگان اظهار می‌کنند که اقتصاددانان و بازاریابان باید تعریف خود را از «مصرف‌کننده» گسترش دهند تا ربات‌ها را نیز در دسته مصرف‌کنندگان بگنجانند.

انتظار می‌رود پیشرفت در فناوری‌های RAIA در آینده تسریع شود و برخی از محققان این احتمال را می‌دهند که هوش مصنوعی در یک برهه از هوش انسان فراتر رود - زمانی که معمولاً به عنوان «تکنیکی تکنولوژیک» یاد می‌شود. پیشرفت‌های فناوری در RAIA، صنعت و اینترنت اشیا نقش نیروی انسانی را به عنوان عامل تولید به چالش می‌کشند تا جایی که کل یا غالب سهم کارگر انسانی در بخش کالاها و خدمات توسط فناوری RAIA جایگزین می‌شود. به چنین سیستم اقتصادی «اقتصاد روباتی» (robonomics) گفته می‌شود.



اقتصادی و اجتماعی جدید منجر می‌شود که در آن برندگان و بازندگان وجود خواهند داشت. با توجه به توانایی فناوری برای جایگزینی نیروی انسانی با فناوری‌هایی که مرتب پیشرفته‌تر خواهند شد، آن دسته از انسان‌ها که نیروی کار بازویشان را به فروش می‌گذارند به راحتی و بسیار ارزان با فناوری‌های جدید جایگزین می‌شوند.

این دنیای جدیدی خواهد بود که در آن بیشتر نیروی کار برای تولید کالاها و خدمات توسط ماشین‌آلات ایجاد می‌شود، به این معنی که انسان از روند تولید به‌طور فزاینده‌ای به حاشیه رانده می‌شود، اگرچه این سوال ماندگار وجود دارد که آیا روبات‌ها به صورت مکملی برای نیروی انسانی استفاده می‌شوند- یا به طور کامل جایگزین نیروی انسانی خواهند شد. از سوی دیگر، دستگاه‌ها، برخلاف انسان، آنچنان به کالاها و خدمات نیاز ندارند. این بدان معناست که اقتصاد ممکن است در آینده متضرر شود، زیرا ماشین‌آلات آنگونه که انسان مصرف‌کننده است، مصرف نمی‌کنند.

تاثیرات RAIا بر بازار کار

ما انسان‌ها باید با تغییرات عظیمی که رباتیک و هوش مصنوعی در ۱۰، ۲۰ یا بیش از ۲۰ سال آینده در بازار کار پدید می‌آورند، مقابله کنیم. در آینده نزدیک می‌توان تأثیرات عمده‌ای را که تقریباً قابل پیش‌بینی است مشاهده کرد، مثلاً اتوماسیون حمل‌ونقل با کامیون‌ها و اتومبیل‌های خودران. به هر حال، هر کشور بر اساس سطح فعلی توسعه و عوامل اجتماعی/تکنولوژیکی‌اش، به طرق مختلف از این فرآیند تأثیر خواهد گرفت. همچنین تأثیراتی بر ساختارهای اجتماعی و تحرک جمعیت و تولید خواهد داشت. به هر حال، قانون باید تغییر عمده‌ای داشته باشد و عناصر قانونی یا سیاسی نیز با این تغییر همراه شوند.

اولین و تأثیر عمده فناوری حذف مشاغل از طریق اتوماسیون خواهد بود، اگرچه مشاغل زیادی از دست خواهند رفت، مشاغل جدیدی نیز ایجاد شده و همچنین چهره سایر مشاغل نیز ممکن است تغییر کند. برخی از مطالعات در مورد راه‌حل‌های مختلف برای چگونگی مقابله با بیکاری ناشی از فناوری بحث کرده‌اند. بسیاری از مشاغلی که اکنون در بازار وجود دارد تغییر فراوانی

شایع‌ترین شغل در ۲۹ ایالت از ۵۰ ایالت ایالات متحده «راننده کامیون» است، و ماشین/کامیون‌های خودران (فناوری‌ای که در آستانه ورود به جاده‌هاست) تقریباً بلافاصله منجر به بیکاری این کارگران خواهد شد.

این موضوع، نگرانی‌های موجهی برای محققان، سیاستمداران و نمایندگان صنعت پدید می‌آورد که مردم، شرکت‌ها، اقتصاد، دولت‌ها و به‌طور کلی جوامع با واقعیت‌های جدیدی که در حوزه فناوری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌شود، چگونه انطباق می‌یابند. برای مثال، در سال ۲۰۱۶، دفتر اجرایی رئیس جمهوری ایالات متحده، شورای ملی علم و فناوری و کمیته فناوری، سه سند را برای آماده‌سازی اقتصاد ایالات متحده برای عصر ماشین‌ها و هوش مصنوعی منتشر کردند.

این مطالعه با توضیح تأثیرات فناوری‌های RAIا بر بازار کار و ماهیت کار می‌پردازد و مواردی مانند معضل اشتغال، نیاز انسان به داشتن کار مولد و قابلیت صنعت مدرن برای بهره‌وری را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین به موضوع احتمالات نابودی صنایع توسط انسان می‌پردازد، چرا که بخش عظیمی از انسان‌ها از جایگزینی با روبات می‌ترسند. علاوه بر این، این مطالعه به اخلاقی بودن استفاده از ربات‌ها می‌پردازد، زیرا ربات‌ها صرفاً جایگزین نیروی انسانی نیستند بلکه تأثیر واقعی بر جمعیت انسانی نیز دارند.

اقتصاد رباتیک و هوش مصنوعی

اولین عنصری که باید بررسی شود این مسئله است که چرا ما از فناوری‌های RAIا استفاده می‌کنیم. دلیل واضح این امر همپوشانی بین توانایی‌های تکنولوژیکی موجود و نیاز به کارایی بالاتر و تولید مقرون‌به‌صرفه است. در حالی که مفهوم ربات در سال ۱۹۲۰ ابداع شد، ربات (و مهمتر از همه ربات هوشمند) چیزی مختص به آینده بود و کاملاً عملی نبود. تا دهه ۱۹۸۰، ربات‌ها به‌طور گسترده‌ای در تولید مورد استفاده قرار می‌گرفتند، اگرچه صنایع خدماتی عموماً در استفاده از ربات عقب مانده‌اند.

با پیشرفت سریع در زمینه رباتیک و هوش مصنوعی، تأکید بر نیروی انسانی به عنوان یک عامل ضروری کمتر شد و هنگامی که از ربات‌ها برای تولید ربات‌ها استفاده شود، این روند شدت نیز خواهد گرفت. به‌کارگیری گسترده از اقتصاد رباتیک به یک فضای

وضعیت تخصص‌هایی که جایگزینی آنها با ربات دشوار است

برخی از تخصص‌ها که جایگزینی آنها با ربات‌ها یا هوش مصنوعی دشوار است همچنان به کار خود ادامه می‌دهند، اما همچنان فشار روی چنین مشاغلی نیز وجود خواهد داشت، زیرا تقاضای کاریشان ثابت باقی می‌ماند، عرضه برای چنین مشاغلی کاهش می‌یابد. با این حال، کسانی که مهارت بالایی دارند و یا با دانششان کار می‌کنند، نیز نباید احساس امنیت زیادی کنند، زیرا تغییرات رادیکال همیشه در فناوری وجود دارد که می‌تواند کار آنها را تهدید کند.

برای مثال، اساتید دانشگاه اکنون بسیاری از دوره‌های درسی را آنلاین تدریس می‌کنند. چنین دوره‌هایی عموماً برای دانش‌آموزان راحتی به همراه دارد، اما برای معلمان خطرات زیادی دارد، زیرا هم‌اکنون نیز بسیاری از دروس ممکن است به امتحاناتی متکی باشند که چندگزینه‌ای هستند و با فناوری رایانه‌ای ساده درجه‌بندی می‌شوند ولی ممکن است زمان زیادی نیاز نباشد که رایانه‌ها بتوانند مقاله‌های دانش‌آموزان و دانشجویان را نیز نمره‌دهی کرده و به صورت هوشمند به آنها بازخورد نشان دهند.

همچنین می‌توانیم انتظار داشته باشیم این مداخلاتی که در شغل‌ها رخ خواهد داد واکنش گسترده‌ای در بین مردم داشته باشد و تأثیرات سیاسی نیز با آن همراه شود. از آنجا که ممکن است انسان در تولید کالاها و خدمات از اهمیت کمتری برخوردار باشد و بسیاری از انسان‌ها با نیروی کار رباتیک یا هوش مصنوعی جایگزین شوند، برای پایداری اقتصاد و پایداری اقتصاد سیاسی چه باید کرد؟ پاسخی که بسیار در مورد آن صحبت شده تضمین درآمد پایه جهانی برای انسان است. این درآمد با اطمینان از اینکه مصرف‌کنندگان انسانی می‌توانند کالاها و خدماتی را که یک اقتصاد کاملاً خودکار تولید می‌کند، مصرف کنند، تأثیری تثبیت‌کننده خواهد داشت. پرداخت درآمد در چنین طرحی مستلزم شکل متفاوت مالیاتی نسبت به نظام مالیاتی فعلی است، زیرا بخش زیادی از مالیات اقتصادهای امروزی از مالیات دستمزد کارگران جمع می‌شود.

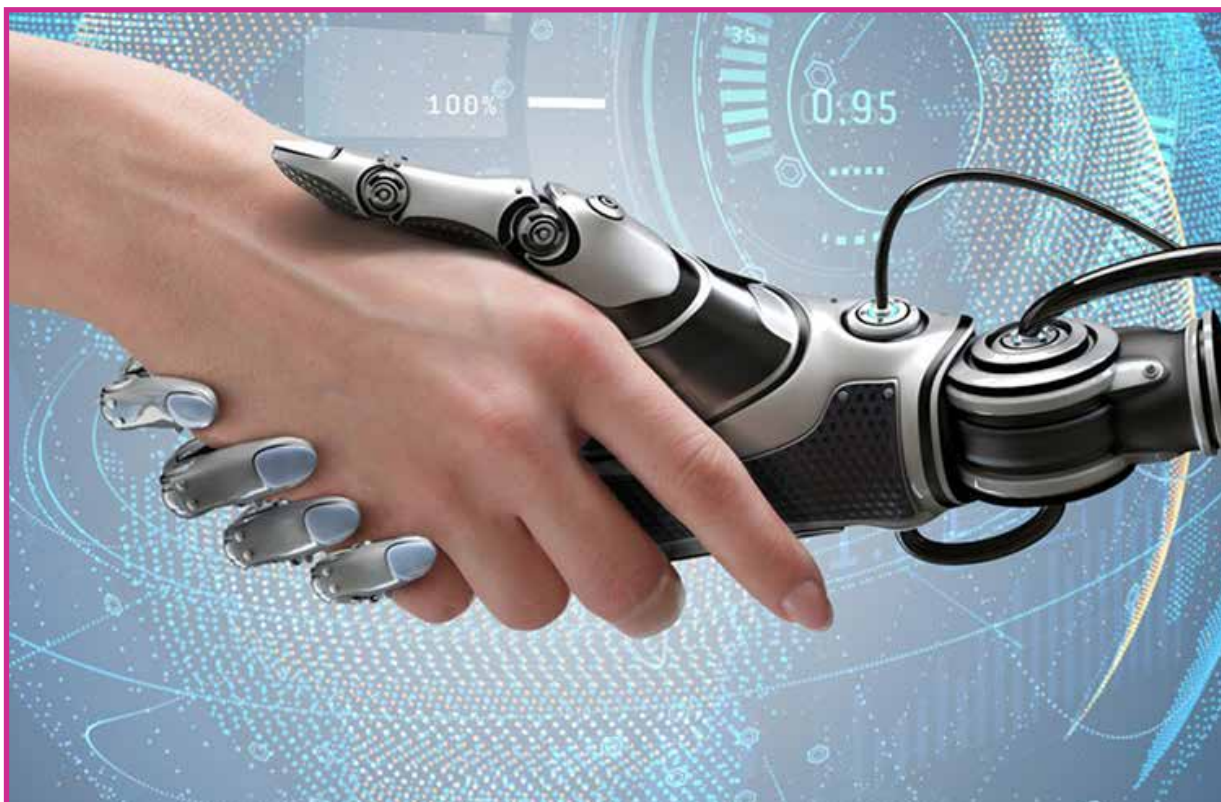
بنابراین با کاهش تعداد انسان‌های شاغل و پرداخت مالیات بر درآمد و کاهش مشاغل، باید سیستم‌های جدید مالیاتی ایجاد شود. اقتصاد کنونی و قوانین آن فرض می‌کند که کارگران انسانی مالیات

خواهند کرد و بسیاری از مشاغل از نظر وظایف، در آینده نیاز به مهارت کمتری خواهند داشت، برخی نیاز به مهارت‌های جدیدی خواهند داشت و برخی دیگر نیاز به مهارت بیشتری خواهند داشت. تأثیر عمده دیگری که رخ خواهد داد، کیفیت مشاغل باقی‌مانده است. انسان‌ها احتمالاً برخی از کارهایی را که ربات‌ها و کامپیوترها هنوز قادر به انجام آنها نیستند ادامه خواهند داد، به نظر می‌رسد که انسان برای انجام بسیاری از وظایف فیزیکی که ماشین‌ها قادر به انجام آنها نیستند یا حداقل آنها را به خوبی انجام نمی‌دهند، احتیاج خواهد بود، هرچند ممکن است صنایع و شرکت‌ها از طریق ایجاد تغییرات اجتماعی به طریقی برای دور زدن این مسئله کار کنند. برای مثال، در حال حاضر هیچ رباتی نمی‌تواند ملحفه روی تخت هتل را به خوبی مرتب کند.

به دلیل مداخله رباتیک پیشرفته و هوش مصنوعی در تولید کالاها و خدمات، انسان‌ها احتمالاً مجبور به یافتن جایگاهی در اقتصاد گیگ‌محور جهان باشند. از آنجا که کار انسان به‌طور فزاینده‌ای به سمت کارهای فیزیکی خاص یا کارهای ذهنی کشیده می‌شود که در آن هنوز هم می‌تواند عملکرد بهتری نسبت به ماشین‌آلات داشته باشد.

یکی از مشکلاتی که نتیجه سیاسی این اتفاق خواهد بود این است که بسیاری از افراد به سمت کارهای کوتاه‌مدت و مشاغلی کشیده می‌شوند که ممکن است در زیر رادار مقامات مالیاتی نباشند و همچنین از نظر قانونی و اجتماعی نمی‌تواند به میزان کارهای تمام‌وقت متداول انسان را تامین کند. اینکه مردان و زنان در این شرایط چگونه کار خواهند کرد و دوام می‌آورند جالب خواهد بود. همچنین واکنش و یا شکوفایی نقش جنسیت در چنین محیط‌های کاری بی‌ثبات و متغیری مورد سوال خواهد بود.

اختلاف طبقاتی افزایش خواهد یافت، همان‌طور که تقریباً در همه کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر مشاهده شده است، از آنجا که نیروی کار بیشتر متشکل از کارگران ماهر دانش‌بنیان خواهد بود و کارگران کم‌مهارت شغلشان را از دست خواهند داد. کسانی که مهارت کمتری دارند، دائماً با ربات‌ها و هوش مصنوعی که ارزش کار را تضعیف می‌کند، به رقابت می‌پردازند و درآمدها کاهش خواهد یافت.



۱.	مهارت حل مسئله پیچیده
۲.	تفکر انتقادی
۳.	خلاقیت
۴.	مدیریت مردم
۵.	هماهنگی با دیگران
۶.	هوش هیجانی
۷.	قضاوت و تصمیم گیری
۸.	جهت گیری خدمات
۹.	مذاکره
۱۰.	انعطاف پذیری شناختی

این مهارت‌های کلیدی مشخص شده توسط مجمع جهانی اقتصاد فرض می‌کند که مزیت رقابتی انسان نسبت به ربات‌ها و هوش مصنوعی نه بر اساس توانایی فیزیکی بلکه بر اساس توانایی‌های فکری و توانایی تفسیر مسائل کاری از منظر احساسی است. توسعه چنین مهارت‌هایی از طریق آموزش یا تجربه و توانایی ذهنی

خود را از حقوق خود پرداخت می‌کنند و فرض می‌کنند که چنین کار انسانی برای حفظ اقتصاد لازم است. این قوانین همچنین فرض می‌کند که افراد مشغول کار تمام وقت هستند و از درآمد و مزایای پایداری برخوردار هستند، به این معنی که بسیاری از قوانینی که اکنون برای تنظیم نیروی کار وجود دارد، یک مدل صنعتی قدیمی از کار را در نظر می‌گیرند. اما اقتصاد جدید، تا حدود زیادی، به مناقصه و قراردادهای کوتاه‌مدت بستگی دارد و قوانین با این تغییرات مطابقت ندارند.

ماندن در بازار کار رقابتی آینده
آینده، حداقل آینده نزدیک، به نیروی کار ماهر نیاز دارد. در جدول زیر، ۱۰ مهارت شغلی برتر مجمع جهانی اقتصاد که نیروی کار باید در سال ۲۰۲۰ داشته باشد، ذکر شده است. به نظر می‌رسد که این لیست دارای ماهیت منحصر به فرد فکری و احساسی است و از قدرت بدنی و چابکی جسمی خبری نیست. طبق مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۸)، مهارت‌های مورد نیاز ذاتا فکری و احساسی هستند، از جمله حل مشکلات پیچیده، تفکر انتقادی و هماهنگی با دیگران.

طبیعی آموخته می‌شود. از این موضوع می‌توان استنباط کرد که آموزش باید به روش‌هایی برای پرورش استعدادهایی تبدیل شود که فقط انسان‌ها در این برهه از زمان می‌توانند انجام داده و برای اقتصاد سودآوری داشته باشند (خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی پیچیده، هوش هیجانی و غیره). جدا از اینکه افراد و سیستم‌های آموزشی چگونه باید تغییر کنند، صنعت نیز باید تغییر کند. در کوتاه‌مدت، برای ارتباط و رقابت میان شرکت‌ها، شرکت‌ها باید روی ربات‌ها و هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کنند. اگرچه چنین سرمایه‌گذاری‌هایی ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری‌های قبلی نیز داشته باشد، اما با وجود خطرات و موانع موجود در سیستم کنونی، به انتقال و گذار به سمت اقتصاد جدید کمک می‌کنند. تغییر در اکثر صنایع امری قطعی است. اگرچه استفاده از برخی از فناوری‌ها ممکن است مزایایی را به همراه داشته باشد، اما پذیرش زود هنگام آن ممکن است مشتریان و نیروی کار را قادر سازد تا با واقعیت‌های جدید سازگار شوند و از راه‌های موثرتر و کارآمدتری کار کنند.

تغییرات بزرگی ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایجاد شده است که انسان‌ها باید از آنها آگاه باشند و باید خود را با آن سازگار کنند. اول از همه، ما انتظار داریم که انسان‌ها به‌طور فزاینده‌ای از تولید کالا و خدمات حذف شوند. نیروی انسانی یکی از عوامل تولید باقی خواهد ماند اما به تدریج اهمیت کلیدی خود را به عنوان جز اصلی فرآیند تولید از دست می‌دهد. خصوصیتی که کارگر انسانی دارد و همچنان به عنوان یکی از عوامل تولید می‌تواند ارائه دهد، توانایی ایجاد، تفسیر و همکاری با دیگران خواهد بود.

همچنین انسان در آینده نزدیک به دلیل توانایی جسمی در انجام کارهایی که بسیاری از ربات‌ها به سختی می‌توانند آن را انجام دهند (مانند باز کردن درها، راه رفتن و سایر کارهای فیزیکی) ارزشمند خواهد بود، انسان همچنان یک ابزار عالی چندمنظوره خواهد بود که می‌تواند در فضای کاری یا اداری مذاکره کند. اما سیلی از نیروی کار آواره‌ای که توسط ربات‌ها و هوش مصنوعی مشاغلشان را از دست خواهند داد نیز به وجود خواهد آمد.

آموزش مهارت‌هایی که مختص انسان‌هاست

کسانی که مهارت لازم برای رقابت در اقتصاد جدید را ندارند، با دیگر انسان‌ها رقابت می‌کنند. مهارت‌هایی که مختص انسان‌هاست، باید به بسیاری از کارگران تعلیم داده شود تا همچنان بتوانند فعالیت

کنند. حل مسئله، هوش هیجانی، ارتباطات بین فردی و سایر مهارت‌هایی که بشر می‌تواند به خوبی از عهده آنها برآید در صورتی که مهارت کافی در انجام این کار را داشته باشد، بشر را قادر می‌سازد تا در اقتصاد جدید فعال باقی بماند. موسسات سنتی که انسان‌ها را آموزش می‌دهند باید با نیازهای اقتصاد جدید و خواسته‌های کارگران سازگار شوند. سیستم سیاسی و حقوقی نیز باید اقتصاد جدید را در نظر بگیرد. با انعطاف‌پذیری و تمرکز نیروی کار روی کارهای پاره‌وقت و قراردادی، دولت‌ها و سیستم‌های مالیاتی باید با واقعیت جدید اقتصادی همراه شوند. از دیدگاه دولت، روش سنتی مالیات گرفتن از افراد شاغل تمام‌وقت پایداری کمتری خواهد داشت و دوام اقتصاد به این معنی است که سیستم‌های مالیات باید اصلاح شوند تا در اقتصادی که تغییر کرده است، پایدار بمانند. با افزایش تعداد کارگرانی که دیگر به آنها نیازی نیست، تضمین اینکه مردم - به ویژه کسانی که دیگر نیروی کار به حساب نمی‌آیند- روشی قابل اعتماد برای گذران زندگی داشته باشند یک ضرورت است.

سرانجام، نگرانی عمده در مورد فرضیات مرتبط با توانایی‌های انسان برای ماندن در اقتصاد جدید وجود دارد. در حالی که مجمع جهانی اقتصاد می‌تواند مهارت‌های مورد نیاز در محل کار را شناسایی کند، این سوال وجود دارد که آیا همه انسان‌ها توانایی توسعه مهارت‌های مورد نیاز در صنعت را دارند؟ در حالی که برخی از افراد می‌توانند ادعا کنند که ضریب هوشی یک مفهوم ذهنی است، بیشتر آنها موافقت می‌کنند که در توانایی هر انسانی در جذب، نگهداری و پردازش اطلاعات تنوع وجود دارد. از آنجا که مشخص است همه انسان‌ها تقریباً توانایی فکری یکسانی برای توسعه مهارت‌های مورد نیاز برای اقتصاد جدید ندارند، به نظر می‌رسد که بسیاری از آنها صرفاً به دلیل عدم توانایی در توسعه مهارت‌های مورد نیاز، از اقتصاد جدید کنار گذاشته می‌شوند. در نتیجه، انسان‌ها وارد عصر جدیدی می‌شوند، عصر بازتولید مکانیکی که شبیه به چیزی که پیش از این تصور می‌شد نخواهد بود. اگرچه انسان ممکن است به عنوان یک عامل تولید باقی بماند، اما ممکن است از نظر فیزیکی بسیار کم‌اهمیت و از نظر نیازهای فکری از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. به هر حال، نقش انسان متفاوت خواهد بود. در نتیجه، بسیاری از نهادهایی که بخشی از اقتصاد هستند، مانند دولت و آموزش و پرورش، باید تغییر کنند تا با نیازهای جامعه‌ای که دارای پایگاه تولیدی هستند که به طور فزاینده‌ای خودکار خواهد بود، مرتبط و سازگار باشند.

تامین مالی جمعی: راه نجات پروژه‌های زیرساختی نیمه تمام کشور



و به همین سبب زمان ساخت پروژه‌های اولویت‌دار برای کشور بسیار طولانی شده است؛ یکی از راه‌های حل چنین چالشی، روی آوردن به سوی سرمایه‌گذاری مردمی برای بهره‌برداری سریع‌تر از پروژه‌هایی است که نهایتاً خود مردم از آن‌ها منتفع خواهند شد در این باره محمد جواد شاهجویی، کارشناس مسائل حمل و

تامین مالی جمعی در شرایطی که دولت با کسری بودجه برای پروژه‌های عمرانی مواجه است، می‌تواند یکی از روش‌های مهم در تامین مالی پروژه‌های عام المنفعه در کشور باشد. به گزارش خبرنگار مهر، بدون شک بودجه‌های محدود دولتی برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز کشور در شرایط فعلی کافی نیست

نقل یادداشتی را در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است که از نظرتان می‌گذرد؛

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی در جهان و کاهش تمایل بانک‌ها نسبت به اعطای وام به کسب و کارها، کارآفرینان و مدیران کسب و کارهای نوپا تصمیم به اتخاذ تدابیر جایگزین برای تامین سرمایه مورد نیاز خود نمودند. یکی از این تدابیر، تامین مالی جمعی یا سرمایه‌گذاری جمعی بود؛ البته سرمایه‌گذاری جمعی قدمتی به مراتب طولانی‌تر دارد؛ اما باید اذعان نمود که در مدل جدید سرمایه‌گذاری جمعی، دایره مخاطبین و یا اصطلاحاً سرمایه‌گذاران از سطح معتمدین، خانواده، دوستان و یا شرکای نزدیک سرمایه‌پذیر فراتر رفته و به مدد بسترهای اینترنتی، تعداد سرمایه‌گذاران بالقوه برای هر پروژه افزایش یافته است.

تا پیش از شکل‌گیری و معرفی روش‌های سرمایه‌گذاری جمعی به شکل امروزی، بیشتر کسب و کارها اولین گزینه تامین مالی را دریافت تسهیلات بانکی و غیر بانکی می‌دانستند؛ هر چند هنوز هم در بسیاری از جوامع، دریافت وام یکی از گزینه‌های جدی و پر طرفدار برای ایجاد و یا توسعه هر کسب و کار یا پروژه است؛ اما می‌توان نشانه‌هایی از رشد سرمایه‌گذاری جمعی و اقبال به این روش تامین مالی را در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته دنیا ملاحظه کرد؛ چرا که مزیت‌های این شیوه از تامین مالی، می‌تواند افزایش نرخ رشد کسب و کارها و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی کشورها را رقم بزند.

۶ منفعت سرمایه‌گذاری جمعی نسبت به تسهیلات بانکی

جدا از مزیت‌های تامین مالی جمعی برای ایجاد و یا توسعه کسب و کارها، امروزه دولت‌ها و نهادهای عمومی نیز از این روش تامین مالی استقبال می‌کنند از عمده دلایل این استقبال می‌توان به مواردی از جمله اتکا به منبع نقدینگی نامحدود مردمی به جای منابع محدود بودجه‌های دولتی، توانایی تامین مالی برای پروژه‌های زیرساختی که از نظر اقتصادی اولویت ندارند؛ اما در جهت خدمت‌رسانی به عموم مردم مورد نیازند، درگیر کردن منافع عموم مردم با منافع کلان کشور و تقویت روحیه همکاری و تعامل عمومی در جهت توسعه کشور، دخیل کردن مردم به عنوان ذینفع در پروژه‌ها و ایجاد روحیه

مطالبه‌گری مردمی برای تضمین مدیریت صحیح پروژه‌ها، کاهش ریسک‌های ناشی از مدیریت مسئولیت‌ناپذیر، افزایش هزینه سو مدیریت و در نهایت افزایش سرعت انجام پروژه‌ها و به ثمر رسیدن آن‌ها به واسطه تامین مالی پروژه به صورت یکجا، در عوض تامین مالی قطره چکانی با بودجه‌های دولتی اشاره نمود.

بدون تردید تامین مالی جمعی می‌تواند یکی از روش‌های مهم در تامین بودجه مورد نیاز ساخت پروژه‌های عام المنفعه در کشور ما باشد؛ آن هم در شرایطی که به واسطه وجود تحریم‌های ظالمانه و جنگ اقتصادی، دولت در تامین بودجه‌های مورد نیاز سالانه برای امور اولویت‌داری چون سلامت عمومی، آموزش همگانی و مسائل دفاعی نیز با چالش‌های متعددی روبروست. در چنین وضعیتی، علاوه بر اینکه پروژه‌های مهم زیرساختی کشور سال‌های سال معطل بهبود شرایط خواهند بود، آسیب حاصل از اجرایی نشدن زود هنگام این پروژه‌ها نیز موجب خسارت بیشتر به کشور خواهد شد؛ برای مثال، اگر پروژه‌هایی همچون خط آهن شلمچه- بصره و خط آهن رشت-آستارا که تکمیل‌کننده کریدورهای ترانزیتی مهم کشورند تا به امروز و به کمک تامین مالی جمعی افتتاح شده بود، می‌توانست در شرایط جنگ اقتصادی، یکی از مهم‌ترین منابع تامین ارز مورد نیاز کشور بوده و تا حد زیادی تکانه‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی را خنثی نماید. علاوه بر این، افتتاح چنین پروژه‌هایی می‌توانست با وابسته‌سازی تجارت دیگر کشورها و بازیگران مهم منطقه‌ای به اقتصاد ایران، دست برتر دیپلماسی اقتصادی را برای کشور به ارمان بیاورد؛ لکن متأسفانه به دلیل گره زدن ساخت چنین پروژه‌هایی به بودجه‌های محدود و ناپایدار دولتی، هنوز هم آمیدی به ساخت این خطوط در سال‌های آتی وجود ندارد.

لازم به ذکر است که تامین مالی جمعی البته ملاحظات مهمی نیز دارد که باید حتماً مورد توجه قرار گیرد؛ از مجموعه این ملاحظات می‌توان به مواردی چون ایجاد پلتفرم‌های صحیح و به کارگیری رویه‌های درست جذب سرمایه، دقت در هزینه‌کرد، تلاش برای بهره‌برداری درست و بهینه از زیرساخت ایجاد شده با استفاده از سرمایه‌های مردمی و در نهایت، صیانت و حفاظت از سرمایه مردم توسط دولت و نهادهای نظارتی و مجریان پروژه اشاره نمود.

OECD منتشر کرد

تغییر چشم انداز اقتصاد جهان



است و بخش اعظم اقتصاد محفوظ مانده است و می‌تواند به سرعت احیا شود، اما شرایط برای بسیاری از افراد، شرکت‌ها و کشورهای آسیب‌پذیر همچنان خطرناک است.

این سازمان در جدیدترین چشم‌انداز اقتصادی خود اعلام کرده است که انتظار دارد اقتصاد جهان در سال جاری میلادی ۴/۲ درصد کوچک شود. این در واقع یک پیش‌بینی است که از بهبود چشم‌انداز نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی حکایت دارد. پیش‌تر در ماه سپتامبر این سازمان در چشم‌انداز خود از اقتصاد جهان سقوط ۴/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی واقعی جهان را پیش‌بینی کرده بود.

این سازمان با نگاهی به آینده گفت که رشد اقتصاد جهان طی دو سال آینده به‌طور میانگین ۴ درصد خواهد بود. براساس پیش‌بینی این سازمان، تولید ناخالص داخلی واقعی جهان در سال ۲۰۲۱

دنیای اقتصاد: سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در تازه‌ترین برآورد خود چشم‌انداز اقتصاد جهان در ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ را تغییر داد و به پشتوانه امیدهایی که کشف واکسن کرونا ایجاد کرد، پیش‌بینی خود از اقتصاد جهان در سال جاری را بهبود بخشید. بر این اساس سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه انتظار دارد که اقتصاد دنیا طی دو سال آینده سرعت گیرد و تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی رشد تولید ناخالص داخلی جهان به سطح دوران پیش از پاندمی بازگردد. این سازمان با اشاره به پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه واکسن کرونا و واکنش‌های غیرمترقبه دولت‌ها و بانک جهانی در مقابله با اثرات بحران کرونا اعلام کرد: «برای نخستین بار از زمان آغاز پاندمی تاکنون، حالا شاهد امید برای آینده‌ای روشن‌تر هستیم».

این سازمان در ادامه نوشت: «از وقوع بدترین شرایط اجتناب شده



کنند تا به همه‌گیری‌ای که بخش عظیمی از اقتصاد جهان و زندگی بیش از ۱/۴۶ میلیون نفر را درگیر خود کرده بود پایان داده شود.

براساس پیش‌بینی این سازمان، احیای اقتصاد جهان نامتوازن خواهد بود و «به‌طور بالقوه به تغییرات بادوامی در اقتصاد جهان منجر خواهد شد». این سازمان چین را ضامن یک سوم رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۱ معرفی کرده و افزوده است که مشارکت اروپا و آمریکای شمالی در این زمینه «کوچک‌تر از وزنشان در اقتصاد جهان باقی خواهد ماند». بنابراین پیش‌بینی، چین که احیای اقتصادی خود را از رقبای دیگر خود زودتر آغاز کرد، در سال جاری رشدی ۱/۸ درصدی را به ثبت خواهد رساند و تنها اقتصاد عمده جهان خواهد بود که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی از خود به ثبت برساند. انتظار می‌رود این دومین اقتصاد بزرگ جهان در سال آینده میلادی ۸ درصد و در سال ۲۰۲۲ تا ۴/۹ درصد رشد کند.

در مقایسه انتظار می‌رود آمریکا در سال ۲۰۲۰ تا ۳/۷ درصد کوچک‌تر شود و در سال ۲۰۲۱ رشد ۳/۲ درصدی و در سال ۲۰۲۲ رشد ۳/۵ درصدی را به ثبت برساند. حوزه یورو هم شاهد رشد منفی ۷/۵ درصدی در سال جاری خواهد بود، اما در سال ۲۰۲۱ این رشد مثبت می‌شود و به ۳/۶ درصد و در سال ۲۰۲۲ به ۳/۳ درصد خواهد رسید.

به ۴/۲ درصد و در سال ۲۰۲۲ به ۳/۷ درصد خواهد رسید. پیش‌بینی ماه سپتامبر این سازمان این رشد را برای ۲۰۲۱ تا ۵ درصد پیش‌بینی کرده بود. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه همچنین هشدار داده است که نااطمینانی «قابل‌توجهی» همچنان وجود خواهد داشت و از سیاست‌گذاران سراسر جهان خواست حمایت هدفمند خود را از کودکان، افراد و کسب‌وکارهای آسیب‌پذیر دریغ نکنند تا بتوان ریسک «زخم‌های به جامانده» از بحران کرونا را کاهش داد.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه که بر سیاست‌های اقتصادی ۳۷ کشور عضو خود نظارت دارد و به آنها توصیه‌هایی ارائه می‌کند، خوش‌بینی محتاطانه خود را در مورد سرعت گرفتن رشد اقتصاد جهان تا سال ۲۰۲۲ ابراز داشت.

این نهاد با اشاره به تحولاتی همچون پیشرفت‌های علمی به‌دست آمده، دستاوردهای دارویی و انطباق‌هایی که در رفتار مردم و شرکت‌ها رخ داده است، اینها را عواملی برای کمک به مردم برای کنترل ویروس دانست که اجازه خواهند داد محدودیت‌های شدید رفت و آمد به‌طور روزافزونی برداشته شوند.

در کنار کاهش نااطمینانی‌ها و آرامش مالی استثنایی که در ۲۰۲۰ شاهد بودیم، پیش‌بینی می‌شود احیای اقتصاد جهان با بازگشایی روزافزون فعالیت‌ها، بیش از پیش تقویت شود.

این امیدواری وجود دارد که واکسن‌های ویروس کرونا کمک

تهدیدهای فراروی تجارت آزاد جهانه و اولویت های اقتصادی ایران



شاخص های اقتصاد جهانی و وضعیت خاص ایران در دوره تحریم تغییرات اساسی کرده است، بنابراین اوضاع فعلی حکایت از برخی رخدادهای نوظهور دارد به طوری که بعید است الحاق ایران به WTO فعلا کمک فوری و بزرگی به حل مشکلات اقتصادی مملکت کند. بدیهی است اصل عضویت ایران در WTO به خودی خود می تواند اقدام درست و پسندیده ای باشد ولی بحث بر سر اولویت این موضوع در سیاست گذاری اقتصادی کشور و اهمیت این مساله در حل مشکلات اساسی و فوری اقتصادی و معیشتی جامعه همچنین کیفیت عضویت ایران در WTO است.

الف- تجربه تاریخی توقف روند جهانی شدن اقتصاد در قرن بیستم: اولین دوره جهانی سازی اقتصاد مربوط به سال های ۱۹۱۴-۱۸۸۰ بوده است. طی این دوره امپراتوری بریتانیا بازاری داخلی و منطقه ای با پول واحد به گستردگی اتحادیه اروپا اداره می کرد. در این مدت چین با وجود نظام سیاسی بسته ای که داشت؛ ولی

بسیاری از مسئولان اقتصادی در ایران بر این باور هستند که قطار تجارت آزاد جهانی و روند جهانی شدن اقتصاد بدون توقف در حال ادامه حرکت است؛ در نتیجه ایشان اصرار دارند که ایران نیز هر چه زودتر و بدون فوت وقت به فرآیند اقتصاد جهانی و تجارت بازار آزاد مخصوصا به WTO ملحق شود. پیشنهاد مشخص این دسته از مسئولان اقتصادی عبارت است از اینکه ایران به هر قیمتی که شده برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی یا WTO در اسرع وقت تلاش کند.

۳۰ سال از اصرار مسئولان اقتصادی کشور برای پیوستن ایران به روند تجارت آزاد جهانی به خصوص عضویت در WTO می گذرد (ایده ای که مخصوصا در دهه ۷۰ ه.ش یعنی در فضای پس از پایان نظام دوقطبی جنگ سرد جذابیت فراوانی داشت) ولی اینک در آستانه سال ۱۴۰۰ واقعیات در صحنه های سیاست و اقتصاد ایران و جهان با استناد به سه مولفه تاریخ معاصر جهان،

در حوزه اقتصاد و بازرگانی آزادانه عمل می‌کرد؛ روسیه هم طی همین دوره با کنار گذاشتن نظام فئودالی شروع به نوسازی صنایع و کشاورزی خود کرده بود؛ آلمان هم در پرتو نظام اقتصاد بازار آزاد جهانی در حال تبدیل شدن به غول صنعتی اروپا بود. طی این مدت اوراق قرضه در آرژانتین منتشر می‌شد، در لندن ضمانت می‌شد و در نیویورک به فروش می‌رسید یا اینکه نفت در کالیفرنیا پالایش می‌شد، این نفت توسط بانک‌های شانگهای در چین ضمانت می‌شد و برای مصرف به ژاپن فرستاده می‌شد. طی مدت مذکور صفحات نمایش تازه اختراع شده، قیمت سهام و دیگر اطلاعات بازار را از بورس نیویورک به صورت روزانه به منازل سیم‌کشی شده کارگزاران در سراسر آمریکا منتقل می‌کرد. اولین تجربه عصر جهانی‌سازی اقتصاد که شاهد رونق، نوآوری، گسترش بازرگانی و ادغام تجارت و اقتصاد در مقیاس جهانی بود از سال ۱۹۱۴ به مدت ۷۷ سال متوقف شد. دلایل توقف روند جهانی شدن اقتصاد عبارت بود از: دو جنگ جهانی اول و دوم، دو جنگ بزرگ ارزی، سقوط امپراتوری‌ها و قدرت‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی طی دو جنگ جهانی اول و دوم، رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ در آمریکا و نهایتاً شروع دوره ۴۶ ساله جنگ سرد. نتیجه آنکه تاریخ معاصر به ما می‌آموزد که روند جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد حداقل یک مرتبه در قرن بیستم برای مدتی طولانی از حرکت باز ایستاده است؛ بر همین اساس تعداد زیادی از اقتصاددانان در غرب معتقدند ادعاهای نظام فعلی سرمایه‌داری در پیروگی بر تهدیدها و چالش‌های فراوری حفظ و تداوم این نظام نمی‌تواند محکم‌تر از ادعاهای طرفداران نظام‌های کمونیستی یا توتالیتریستی اروپایی در توجیه تداوم این نظام‌های منسوخ قبل از شکست خوردن آنها باشد، مخصوصاً که فعلاً راه حلی برای بحران‌های بزرگ و تهدیدها علیه نظام سرمایه‌داری از جمله تضاد شدید میان دارا و ندار در هر دو مقیاس داخل کشورها و نظام بین‌الملل ارائه نشده است.

ب- نگرانی‌های واقعی بابت امکان توقف دوباره روند جهانی شدن اقتصاد:

هر چند پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به مدت ۱۰ سال امیدواری‌ها و سرخوشی‌های زیادی بابت احیای مجدد روند اقتصاد جهانی بروز کرد به‌طوری‌که شکل‌گیری WTO، ایجاد شرکت‌های چندملیتی، ایجاد وابستگی‌های متقابل اقتصادی فرضاً به صورت مشارکت بخش‌های مختلف جغرافیایی دنیا در تولید مشترک

یک کالا، برخورداری جامعه جهانی از فناوری‌های نوین در حوزه ارتباطات از جمله مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای این امیدواری‌ها بوده است ولی طی چند سال اخیر شاخص‌های اقتصادی زیادی در سطح جهانی بار دیگر نگرانی‌های واقعی و زنگ خطر بابت امکان توقف دوباره روند جهانی شدن اقتصاد را به صدا درآورده است. ظهور دوباره نوعی مرکانتیلیسم اقتصادی از دهه ۹۰ میلادی به بعد به صورت اصرار دولت‌های بزرگ در حمایت همه‌جانبه از شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی (سرمایه‌داری دولتی) به عنوان یکی از اولین نشانه‌های چالش فراوری اقتصاد جهانی در نظر گرفته می‌شود زیرا این شرکت‌های بزرگ و مقتدر غالباً به عنوان بازوهای مالی دولت‌ها عمل می‌کنند (نظیر شرکت‌های بزرگ نفتی در دنیا، جنرال الکتریک در آمریکا، شرکت چینی سینوپک و...). پس از ظهور نوع تازه‌ای از مرکانتیلیسم اقتصادی برخی دیگر از بحران‌ها و رخدادها طی ۲۰ سال گذشته تداوم روند اقتصاد جهانی و بازار آزاد را به چالش کشیده است. از جمله این موارد می‌توان به این موارد اشاره کرد: ممانعت کشورهای غربی از عضویت کشورهای ضد غربی در WTO بنا به دلایل غیر اقتصادی و صرفاً سیاسی، کاربرد افراطی آمریکا و اروپا از حربه تحریم علیه کشورهای غیرهمسو، مانع‌تراشی بر سر راه مشارکت فعالانه روسیه در اقتصاد جهانی طبق اصول سرمایه‌داری، ناتوانی WTO در کمک به حل مشکلات بزرگ اقتصاد جهانی و در نتیجه به حاشیه رفتن ارزش‌های بازار آزاد جهانی و کمرنگ شدن نقش WTO، وقوع جنگ‌های ارزی به خصوص میان چین و آمریکا، بحران‌های مالی در دهه ۹۰ میلادی و مخصوصاً بحران مالی ۲۰۰۸، پدیده‌های نوظهور ملی‌گرایی افراطی در آمریکا (ترامپیسم) و اروپا، اقدام آمریکا در وضع تعرفه‌های سنگین بر تمامی انواع کالاهای وارداتی به این کشور و تضعیف انواع چندجانبه‌گرایی در دوره ترامپ، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت)، راهبرد جدید چین در تدوین اقتصاد موسوم به «چرخه دوگانه» مبتنی بر تجارت بین‌المللی در کنار توسعه بازارهای داخلی چین و تمرکز بر گسترش تولید داخلی به جای افزایش صادرات و بالاخره تأثیرات بسیار مهم و اقتصادی همه‌گیری جهانی ویروس کرونا. در راهبرد جدید اقتصادی چین موسوم به «چرخه دوگانه» موتور محرک اقتصادی چین به جای صادرات، تقاضا و ابتکار داخلی در چین و به منظور افزایش سهم مصرف داخلی در چین و کاهش وابستگی به صادرات در نظر گرفته شده است. راهبرد اقتصادی «چرخه دوگانه» در مقابل راهبرد چینی

تحریم اقتصادی علیه ایران، مزایا و منافع واقعی و ملموس پیوستن ایران به WTO روشن و واضح نیست. اگر هدف گذاری از پیوستن به WTO، گسترش بازرگانی ایران مد نظر باشد طبیعتاً چنین هدفی فعلاً در شرایط تحریمی قابلیت برآورده شدن ندارد، چنان که حتی در صورت فقدان تحریم علیه ایران باز هم ضمانت چندان برای محقق شدن هدف گسترش بازرگانی خارجی ایران پس از پیوستن به WTO وجود نداشت چون واقعا کشورهای زیادی نفع چندان از پیوستن به سازمان تجارت جهانی نصیبشان نشده است. در چنین شرایطی نباید اجازه داد که کشورهای غربی بخواهند از حربه عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی برای اهداف سیاسی خود نسبت به ایران استفاده کنند.

د- ارزیابی و نتیجه گیری: ایرانیان طی دویست سال گذشته بارها چوب عدم آشنایی با روندهای مهم اقتصادی و سیاسی بین المللی را خورده اند. تاریخ و اقتصاد به ما می آموزد که روند جهانی سازی اقتصاد، اینک بار دیگر بر لبه پرتگاه انواع بحران ها قرار گرفته است، بنابراین کسی نمی تواند تضمین کند که در حرکت قطار تجارت آزاد جهانی وقفه ای رخ ندهد! نتیجه آنکه نباید در چنین شرایطی برای تصمیم گیران اقتصادی و سیاسی در ایران فعلاً عجله برای پیوستن به WTO مطرح باشد؛ به عبارت بهتر می توان گفت اینک وظیفه قدرت های بزرگ اقتصادی از جمله اروپا، چین و ژاپن است که برای مهار خطر ملی گرایی در اروپا همچنین خطر ظهور پدیده ترامپ در آمریکا، از طریق ایجاد انگیزه برای کشورهای غیر عضو در WTO کمک کنند تا این کشورها که بنا به ملاحظات صرفاً سیاسی از طرف غرب هنوز به عضویت WTO در نیامده اند با دریافت تسهیلاتی ویژه و به منظور تقویت WTO به عضویت این سازمان در آیند، نه اینکه مسوولان ایرانی برای پیوستن به WTO اصرار یکجانبه داشته باشند و قدرت های بزرگ اقتصادی برای تحقق این خواسته مسوولان ایرانی شرط بگذارند.

برخی اقتصاددان ها معتقدند برای فهم بهتر روند اوضاع اقتصاد جهانی در آینده به دیدگاه هایی غیر غربی و مخصوصاً غیر آمریکایی نیاز است. این گزاره الزاماً به معنای پایان قدرت و توان اقتصادی آمریکا در سطح جهانی نیست بلکه هشدار است به تحلیلگران اقتصادی و سیاسی که دنیا را صرفاً از نظرگاه آمریکا و غرب ببینند.

دنیای اقتصاد، سید قاسم ذاکری، کارشناس روابط بین الملل

«چرخه بزرگ بین المللی» است که در اواخر دهه ۸۰ میلادی برای توصیف راهبرد افزایش صادرات چین ابداع شد. فرید زکریا در کتاب تازه خود با عنوان «ده درس از دنیای پسا پاندمیک کرونا» می نویسد: «اولین و مهم ترین درس کرونا این است که کشورها از این پس سیاست های درون گرایی در اقتصاد را ارج خواهند نهاد و در اقتصاد بیشتر به دنبال تامین منافع فوری خود خواهند بود.»

در هر حال روند حاکم بر اقتصاد جهانی حاکی از تضعیف هر چه بیشتر نقش جهانی WTO و کم اهمیت شدن ارزش های تجارت آزاد از جانب قدرت های بزرگ اقتصادی از جمله آمریکا بوده است، چنانکه آمریکا مدت ها است که مهم ترین تصمیمات اقتصاد جهانی را به جای WTO در چارچوب گروه بیست پیگیری می کند، درست مانند تصمیمات مهم برای بحران مالی ۲۰۰۸ که صرفاً از طریق گروه بیست و هسته کشورهای غربی در این باشگاه پیگیری شد. «کشور محبوبانی» (دیپلمات سرشناس سنگاپوری) در کتاب جدید خود می گوید که آمریکای فعلی کاملاً متفاوت از آمریکای دوران جنگ سرد است. بنا به تعبیر «محبوبانی» همان طور که جان راولز فیلسوف آمریکایی نیز گفته است بسیاری از ارزش های بنیادین که مبنای شکل گیری آمریکا مخصوصاً در حوزه های اقتصادی بوده است، اینک به فراموشی سپرده شده است. «کشور محبوبانی» همچنین معتقد است آمریکا هر چند مبتکر و موسس WTO بوده است ولی اینک از این سازمان بلکه ارزش های تجارت آزاد عقب نشینی کرده است و مانند شوروی در عصر جنگ سرد در حوزه های اقتصادی تبدیل به یک نظام غیر منعطف و ایدئولوژیک شده است.

ج- اولویتهای اقتصادی ایران در شرایط سخت تحریم: در شرایط سخت تحریم های جاری علیه ایران طبیعتاً اولویت اصلی سیاست گذاران و مدیران اقتصادی باید پیدا کردن راه های فائق آمدن بر تحریم های اقتصادی یا به عبارت بهتر دور زدن تحریم ها باشد که اهداف چنین برنامه ای ارتباط چندان با عضویت در WTO ندارد؛ زیرا مشکلات موجود بر سر راه بازرگانی و مبادلات مالی ایران با جهان خارج فعلاً هیچ ارتباطی با عضویت یا عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی ندارد. بعید است در چنین شرایطی پیوستن به WTO اولویت بزرگ مملکت باشد، زیرا اولاً مشکلات اصلی اقتصادی در کشور ناشی از تحریم اقتصادی است که باید برای آن چاره اندیشی شود و پیوستن به WTO الزاماً راه حل فوری برای فائق آمدن بر مشکلات تحریمی نیست. ثانیاً حتی در شرایط فقدان

تجربه انگلیسه صنعتی شدن



(اقتصادهای شرق آسیا) تقسیم‌بندی می‌کنند. به عقیده آنها برای صنعتی شدن اقتصادها نمی‌توان یک روش کلی معرفی کرد، بلکه با توجه به شرایط و ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر کشور، در هر برهه از زمان سیاست‌های منحصربه‌فردی برای توسعه صنعتی آنها به کار گرفته شود. با این حال درس‌های مشترکی از تجارب صنعتی شدن اقتصادها می‌توان گرفت که از جمله دو مورد از آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نخست، هیچ کشوری بدون حمایت اولیه از صنایع نوپا نتوانسته است پایه‌های صنعتی خود را توسعه دهد؛ دوم، در فرآیند صنعتی شدن و رونق صادرات، مداخلات هدفمند و کارکردی دولت در هر دو گروه اقتصادهای نخستین و واپسین نقش

دنیای اقتصاد: تجربه صنعتی شدن انگلستان برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور درس‌های مختلفی دارد. مطالعات نشان می‌دهد انگلستان بخش مهمی از روند صنعتی شدن خود را از مسیر سیاست‌های تجاری دنبال کرده است. حمایت از «صنایع نوپا»، «آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌ها» و «حمایت از بازارهای داخلی» سه رکن در توسعه صنعتی این کشور است.

در محافل اقتصادی، گفت‌وگوهای دغدغه‌مندانه‌ای پیرامون چگونگی صنعتی شدن کشورها وجود دارد. صاحب‌نظران، اقتصادها را از لحاظ صنعتی شدن به دو گروه صنعتی‌شدگان نخستین (شامل اقتصادهای غربی همچون بریتانیا و آمریکا) و صنعتی‌شدگان واپسین

کاهش یافت. کاهش‌های بیشتر نیز مربوط به دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰، در آغاز اجرای کامل سیاست تجارت آزاد می‌شود. در حقیقت طبق هر معیاری تا اواسط قرن نوزدهم، عمده صنایع این کشور برای رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی به بلوغ رسیده بودند. آزادسازی‌های تجاری همچنین الگوی تخصصی شدن تولیدات و صادرات کالاهای تولیدی که انگلیس در آنها موقعیتی برتر داشت را شدت بخشید. به‌علاوه، این پیشرفت‌ها منجر به رشد واردات محصولات کشاورزی این کشور شد. به‌طور کلی در آن زمان به نفع بریتانیا بود که مرزهای تجاری خود را به روی مواد خام و محصولات کشاورزی وارداتی از خارج به منظور تخصصی شدن تولیدات محصولات کارخانه‌ای و صنعتی بگشاید. بر این اساس در حالی که بخش تولیدات کارخانه‌ای بسیار از افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس مزیت به دست می‌آورد، اما بازدهی‌ها برای تولید محصولات کشاورزی عمدتاً کاهش می‌یافت. گفتنی است آزادسازی‌های تجاری دهه ۱۸۵۰ میلادی نیز زمانی اتفاق می‌افتاد که هزینه‌های حمل‌ونقل به خاطر پیشرفت‌های تکنولوژیکی روندی نزولی داشت. سوم، حمایت‌های اولیه از بازارهای داخلی ابزاری بود برای کاهش ضروری هزینه‌ها در عرصه رقابت بین‌المللی. رشد قدرت بازارهای داخلی این کشور به کاهش هزینه‌های تولید محصولات صادراتی که از قانون صرفه‌های ناشی از مقیاس بهره می‌بردند کمک کرد، امری که نتیجه آن بهبود فروش محصولات تولید این کشور در بازارهای بین‌المللی بود. به بیانی دیگر، بازارهای داخلی انگلیس با بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس، شرایط را برای تقویت صادرات فراهم ساختند.

اقدامات در عرصه‌های دیگر

تجربه بریتانیا نشان می‌دهد عوامل دیگری در سرعت صنعتی‌شدن اقتصاد این کشور اثرگذار بودند. برای مثال، در نخستین مراحل صنعتی‌شدن و مسیر حرکت به سوی توسعه، این کشور توجهی ویژه به توسعه بخش کشاورزی داشت. واقعیت آن است که طی انقلاب صنعتی، تحت‌تأثیر بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، تحول در روش‌های تولید، تغییرات ساختاری و نهادی و همچنین تشدید روش‌های سرمایه‌محور در فعالیت‌های تولیدی، بهره‌وری بخش کشاورزی در این کشور به‌طور قابل‌توجهی بهبود یافت. البته سیاست‌های دولت انگلیس نیز در این زمینه نقشی اساسی ایفا کرد،

مهمی داشته است، به ویژه در حوزه‌هایی همچون تجارت، توسعه زیرساخت‌ها، نهادها و... بر این اساس در این گزارش سعی داریم تجربه بریتانیا را در صنعتی شدن که از نخستین اقتصادهای این عرصه به شمار می‌رود از نظر بگذرانیم و خاطرات جوانی این اقتصاد پیشرفته پا به سن گذاشته را برای عبرت‌گیری بازخوانی کنیم.

به گزارش گروه اقتصاد بین‌الملل «دنیای اقتصاد»، فرآیند حمایت از صنایع نوپا و صنعتی‌شدن بریتانیا، به‌عنوان یک کشور صنعتی پیشگام، آموزه‌های ارزشمندی دارد که مرور آنها خالی از لطف نیست. یکی از اصلی‌ترین حوزه‌هایی که به‌طور معمول در این گونه مباحث مورد توجه قرار می‌گیرد، مقوله تجارت و سیاست‌های تجاری است. سیاست‌های تجاری بریتانیا در مسیر صنعتی‌شدن را می‌توان بر سه پایه استوار دانست: نخست، حمایت از صنایع نوپای گزینشی. این پروسه با حمایت از محصولات پارچه و منسوجات آغاز شد و بعدها به فلزات و تجهیزات دریانوردی تسری یافت. سیاست‌های حمایتی تنها شامل محدودیت‌های مقداری نمی‌شد، بلکه در زمینه اصلاح الگوی مصرف، تقاضای این‌گونه کالاهای وارداتی را نیز مورد بازخواست قرار می‌داد. از طرفی زمانی که صنعت ساخت کشتی توسعه یافت، بریتانیا ناوگان حمل‌ونقل دریایی مختص به خود را توسعه داد، ناوگانی که به‌عنوان ابزاری به خدمت سیاست‌های حمایتی این کشور درآمد. در نتیجه این سیاست‌ها، صنایع مذکور به قطب صنعتی، تجاری و قدرت دریایی برای بریتانیا تبدیل شدند. انتخاب صنعت منسوجات برای حمایت، تنها به دلیل در دسترس قرار گرفتن ماشین‌آلات جدید ظهور کرده از تحولات فناوری نبود، بلکه وجود نیروی کار ارزان در وهله اول و نیروی کار ماهر در قدم بعد در این حمایت نقش داشت. این صنعت همچنین پتانسیل تبدیل به صنعت پیشگام تولید و صادرات این کشور را داشت. بر این اساس تا سال ۱۸۱۵، صنعت پارچه سهمی بیش از ۴۰ درصدی از مجموع صادرات انگلیس یافت، سهمی که تا ۱۸۳۰ به بیش از ۵۰ درصد رسید.

دوم، تنها پس از اینکه انقلاب صنعتی به خوبی به ثمر نشست و بریتانیا توانست پایه‌های صنعتی خود را تحکیم کند، از حوالی سال ۱۸۵۰ میلادی سیاست‌های تجارت آزاد دنبال شد و تصمیم بر آن شد که تعرفه‌ها به تدریج کاهش یابد. تعرفه‌های واردات انگلیس در اوایل دهه ۱۸۲۰ در حدود ۵۷ درصد قرار داشت. در این رابطه برخی اصلاحات سیاست‌های تجاری و آزادسازی‌ها از سال ۱۸۳۳ آغاز شد، اما در خلال دهه ۱۸۴۰ بود که تعرفه عمده اقلام وارداتی



ایجاد و پیگیری برخی تحولات نهادی نیز فرآیند صنعتی شدن پس از سال ۱۷۶۰ انگلیس را شتاب بخشید. تأسیس بانک مرکزی انگلیس در سال ۱۶۹۴ آن را به ابزاری برای استقرار از دولت تبدیل کرد. از طرفی برای افزایش نقش بخش خصوصی در تأمین مالی فرآیندهای صنعتی شدن، تعداد زیادی بانکهای محلی ایجاد شدند. بانکهای خصوصی که تاریخ تأسیسشان به سال ۱۷۱۶ میلادی بازمی‌گردد نیز تا سال ۱۷۶۰ توسعه یافتند و تعداد آنها از ۴۰۰ مورد در ۱۷۹۳ به ۹۰۰ مورد تا سال ۱۸۱۵ رسید.

این گفته تا حدی واقعیت دارد که دولت بریتانیا در اقتصاد کشورش به اندازه دولت‌های آلمان، ژاپن و سایر اقتصادهای صنعتی شده دخالت نداشت. در واقع در واکنش به سیاست‌های مرکانتلیستی، صدها سال پیش از انقلاب صنعتی، دولت بریتانیا از حضور در اقتصاد داخلی صرف‌نظر کرده بود. فعالیت‌های آدام اسمیت خود یک واکنش اندیشمندانه به سیاست‌های مرکانتلیستی بود. طی سال‌های ۱۷۶۰ تا ۱۸۳۰، بخش خصوصی در اقتصاد انگلیس بسیار فعال بود، حتی در زمینه‌های اجتماعی شامل ساخت راه‌ها، کانال‌های آبی، بندرگاه‌ها، راه‌های ریلی و... با این وجود، باید گفت دولت انگلیس در صنعتی شدن این کشور منفعل عمل نکرد. دخالت‌های دولت در زمینه‌هایی همچون تجارت بین‌المللی و ایجاد ارتباط میان فعالیت‌های اقتصادی مستعمرات تا دهه ۱۸۵۰ میلادی قابل توجه بود.

به خصوص در تولیدات محصولات غذایی اساسی در مراحل اولیه صنعتی شدن. در حالی که افزایش تقاضای محصولات کشاورزی فرصت‌های جدیدی برای نوآوری فراهم می‌ساخت، دولت نیز از این بخش در برابر رقابت کالاهای وارداتی حمایت کرد. همزمان، افزایش درآمد کشاورزان، به تقویت قدرت خرید و ارتقای تقاضا برای محصولات صنعتی منجر شد. علم و هنر نیز نقشی پررنگ در روند صنعتی شدن بریتانیا داشتند؛ چراکه مدل‌های جدیدی از قدرت و ماشین‌آلات جدید و دانش را فراهم کردند. از طرفی بدون افزایش سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، افزایش ظرفیت عرضه امکان‌پذیر نبود. براساس برآوردها، طی سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۸۵۰ میلادی که رشد تولید ناخالص داخلی بریتانیا بالا بود، نسبت درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری از ۴ درصد در ۱۷۰۰ به ۸/۵ درصد در ۱۸۰۰ و ۱۰ درصد در ۱۸۴۰ افزایش یافت. در حالی که کاهش نرخ‌های بهره در حوالی انقلاب صنعتی محرکی اصلی برای تقویت سرمایه‌گذاری بود، افزایش پس‌اندازها نیز منجر به سرمایه‌گذاری سودها می‌شود. توسعه زیرساخت‌ها (شامل جاده‌ها، راه‌های آبی و راه‌های ریلی) عاملی دیگر برای شتاب و یکپارچگی صنعتی شدن تولیدات و صادرات بریتانیا بود. به‌عنوان مثال، دوسوم شبکه ریلی در دسترس اوایل قرن ۲۰ تا سال ۱۸۲۰ ساخته شده بود. صنایع منسوجات اولیه نیز در نزدیکی‌های منابع قدرت آبی تمرکز یافته بودند.

تاثیر واحدهای تحقیق کارگاه‌های صنعتی در اشتغال فارغ التحصیلان

متاسفانه طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ سهم کارگاه‌های فاقد واحد تحقیق و توسعه افزایش یافته و فقط در استان‌های ایلام، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، فارس، قزوین، قم، لرستان، مرکزی، همدان و یزد کاهش یافته است.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که تعداد کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر فاقد واحد تحقیق و توسعه در سال ۱۳۹۱، ۳۳۱۴ واحد بوده که طی فرآیندی به ۴۹۱۵ واحد در سال ۱۳۹۶ رسیده است.

برآوردها حاکی از آن است که چنانچه طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ واحدهای تحقیق و توسعه در کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر ایجاد می‌شد دستکم بین ۲۶ هزار و ۱۵۲ تا ۴۰ هزار فرصت شغلی به وجود می‌آمد که بخشی از هزینه مستمر اشتغال این افراد (مزد و حقوق نقدی و غیرنقدی) ۲ میلیون و ۶۸۸ هزار و ۷۴۰ میلیون ریال تا ۹ میلیون و ۸۴۴ هزار و ۲۱۶ میلیون ریال بود که با توجه به برآورد فرصت‌های شغلی و تعداد بیکاران دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر، در صورت اشتغال این افراد در فرصت‌های مذکور، تعداد بیکاران دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر طی این مدت به حدود ۸۰ هزار نفر تا ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد.

به گزارش ایسنا، واحدهای تحقیق و توسعه در کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر می‌توانند زمینه ایجاد اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی را در بخش صنعت فراهم کنند. این واحدها ضمن ارتقای کالای تولیدی، موجب افزایش فروش و رقابت پذیری در بازار کالا می‌شوند و این مساله خود به خود به افزایش ارزش افزوده و درآمد کارگاه و در نهایت پایداری کارگاه و شغل‌های آن منجر می‌شود.

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد واحد تحقیق و توسعه در کارگاه‌های صنعتی علاوه بر فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای دانش آموختگان و فارغ التحصیلان دانشگاهی، موجب افزایش ارزش افزوده، فروش و رقابت پذیری در بازار کالا می‌شوند.

به گزارش ایسنا، کارگاه‌های صنعتی به عنوان تولیدکننده عمده محصولات نهایی و میانی در بازار کار حایز اهمیت هستند. اهمیت این کارگاه‌ها به ویژه کارگاه‌های بزرگ دارای ۵۰ نفر نیروی کار و بیشتر از آن جهت است که در فعالیتهای اقتصادی صنعت، بخش عمده‌ای از ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی را تولید می‌کنند.

این کارگاه‌ها در ایجاد فرصت شغلی نیز اثرگذارند چرا که عمده شغل‌های ایجاد شده توسط این کارگاه‌ها از پایداری لازم برخوردار است و در دوره‌های رکود و رونق کمتر تاثیر می‌پذیرند. در حال حاضر در برخی از کارگاه‌های صنعتی مانند صنایع خودروسازی مراکز تحقیقاتی در سطح پژوهشگاه‌ها تاسیس شده و این واحدها ضمن تضمین بقای کارگاه در بازار کار می‌توانند به عنوان تولیدکنندگان فرصت‌های شغلی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی به شمار آیند.

بر همین اساس، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار در گزارشی به بررسی وضعیت کارگاه‌های صنعتی با تکیه بر وجود واحد تحقیق و توسعه در آنها پرداخته است.

مطابق این گزارش، طی سال ۱۳۹۶ تعداد کارگاه‌های صنعتی دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر در کل کشور ۶۱۷۱ کارگاه بوده که از این تعداد ۱۲۵۶ کارگاه معادل ۲۰.۴ درصد دارای واحد تحقیق و توسعه و ۴۹۱۵ کارگاه فاقد واحدهای مذکور بوده اند.

بیش از هر زمان دیگری به کارآفرینان نیاز داریم



یادآور شد: بر این اساس با برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در خصوص بازاریابی، مهارت افزایی، نحوه کار تیمی اثربخش و مهارت جذب سرمایه، ایده‌پردازی و نوآوری برگزار می‌شود و در کنار آن رویدادهای ویژه کارآفرینی ارائه می‌شود.

مدیر مرکز فناوری و نوآوری پارک علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، رویداد "ریورس پیچ" با هدف ارائه نیازهای فناورانه را از نمونه‌های این رویدادها نام برد که در کشور برگزار می‌شود و اظهار کرد: در گذشته کارآفرینان ایده‌پردازی می‌کردند و گاهی این ایده‌ها در راستای حل مسائل موجود در کشور نبود؛ از این رو ایده‌های ارائه شده از آنجایی که متناسب با نیاز کشور نبود، توسعه نمی‌یافت.

وی اضافه کرد: لذا با برگزاری چنین رویدادهایی به سراغ سازمان‌ها و صنایع رفته می‌شود و مشکلات آنها احصا می‌شود و با دسته‌بندی این نیازها به کارآفرینان معرفی خواهد شد و از این طریق کارآفرینان در راستای نیازهای موجود به ارائه ایده می‌پردازند.

رابطه سواد و فناوری و توسعه کارآفرینی

سعدآبادی با تاکید بر اینکه کارآفرینی بیش از آنکه یک دانش باشد،

مدیر مرکز فناوری و نوآوری پارک علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه در رویدادهای فناورانه اکثر ایده‌ها سطحی است و چنین ایده‌هایی منجر به رفع مشکلات کشور نخواهد شد، گفت: توسعه خلاقیت در جوانان برای ایده‌پردازی مربوط به آموزش‌های دوره کودکی می‌شود و این در حالی است که تعلیم و تربیت در کشور منجر به رشد خلاقیت در کودکان نمی‌شود.

علی اصغر سعدآبادی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به نامگذاری جهانی هفته‌ای به نام "کارآفرینی"، افزود: در همه کشورهای دنیا، کارآفرینی یک امر مقدس به شمار می‌رود؛ چون در ارزش‌های ما ایجاد کسب و کار موجب رونق زندگی روزمره مردم خواهد شد؛ از این رو یک هفته به نام «هفته جهانی کارآفرینی» نامگذاری شده است.

وی ادامه داد: از این رو در این هفته کلیه ارگان‌ها و سازمان‌هایی که در این زمینه فعال هستند، مجموعه برنامه‌هایی را برگزار می‌کنند که از آن جمله می‌توان به معرفی کارآفرینان موفق اشاره کرد که با هدف تشویق کارآفرینان و ایجاد اعتماد به نفس در مردم انجام می‌شود.

سعدآبادی معرفی مهارت‌های اصلی برای ایجاد کارآفرینی را از دیگر برنامه‌هایی نام برد که در این هفته جهانی برگزار می‌شود و



مجله الکترونیک و کامپیوتر

editorial@pcworldiran.com



جدیدترین اخبار دنیای IT ایران و جهان



اولین نشریه تخصصی در رشته
الکترونیک و کامپیوتر در ایران



کودکان دارند که هم خلاقیت را در آنها پرورش می‌دهند و هم به آنها مفهوم وام گرفتن، کسب و کار و کارآفرینی را آموزش می‌دهند، ولی ما از این نوع اقدامات در کشور نداریم.

چکار کنیم که خلاق شویم؟

سعدآبادی با اشاره به راهکارهای کوتاه مدت برای توسعه خلاقیت در کودکان، اظهار کرد: در این زمینه یکسری راهکارها وجود دارد که می‌توانیم برای توسعه خلاقیت اجرایی کنیم، به عنوان مثال اگر فرد راست دست است، کارهایی را که تا امروز با دست راست انجام می‌داده، با دست چپ انجام دهد.

وی با بیان اینکه چنین اقداماتی موجب فعال و تقویت شدن بخش خلاقیت مغز می‌شود، خاطر نشان کرد: علاوه بر آن نیاز است تا در خصوص نحوه فعال شدن استارت‌آپ‌ها در سایر کشورها مطالعات بیشتری داشته باشیم. این امر موجب خواهد شد که دوباره ما به دنبال ساختن چرخ نرویم و ایده‌پردازی‌هایی کنیم که قبلاً وجود داشته است. سعدآبادی با بیان اینکه برخی از کپی‌کاری‌ها از ایده‌های خارجی که به کشور وارد شد، موفق بوده است، نمونه آن ایده‌هایی را که در داخل کشور اجرایی شدند در حوزه‌های حمل‌ونقل و خرید اینترنتی دانست. وی با بیان اینکه وقتی از کودکان پرسیده می‌شود که در آینده چکاره خواهند شد قطعاً پاسخ می‌دهند که دکتر شوند، گفت: در صورتی که امروز ما بیش از هر زمان دیگری به کارآفرینان نیاز داریم. سعدآبادی با اشاره به جایگاه بالای کارآفرینان خلاق در دنیا، اظهار کرد: از این رو ما نیاز داریم که در رسانه‌ها درباره تعاریف کارآفرینی به مردم آموزش دهیم. این دسته از افراد زندگی مهیج و جذابی دارند و اگر در این زمینه اطلاع‌رسانی شود، به تدریج جامعه به سمت کارآفرینی حرکت خواهد کرد. به گزارش ایسنا، هفته جهانی کارآفرینی (GEW) بزرگترین رویداد هماهنگ برای ترویج و ترفیع کارآفرینی در جهان است که هر سال در بازه زمانی ۱۸ تا ۲۴ نوامبر برابر با ۲۸ آبان تا ۴ آذر برگزار می‌شود.

این رویداد مراسمی برای ارج نهادن به نوآوران و خالقان اشتغال است؛ کسانی که ایده‌های خود را حیات بخشیدند و کسب و کاری را پایه‌گذاری کرده و باعث رشد اقتصادی در کشور خود و توسعه رفاه انسانی شدند.

سبک زندگی است، خاطر نشان کرد: زمانی که موضوعی، سبک زندگی قلمداد می‌شود بخشی از آن دانش و مهارت و بخش دیگر مهارت افزایی به مسایل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مربوط خواهد شد. استادیار پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، با اشاره به اصطلاح "صف شکنان" در حوزه کارآفرینان، اظهار کرد: این اصطلاح برای افرادی به کار برده می‌شود که اقدامات خارق‌العاده و شگفت‌انگیز را اجرایی کنند، ضمن آنکه کارآفرینان از ویژگی‌های دیگری مانند ریسک‌پذیری، پشتکار بالا و غیره نیز برخوردارند. وی اضافه کرد: در کنار این ویژگی‌ها در صورتی که دانش نباشد، بسیار دشوار به ثمر می‌رسد؛ از این رو افرادی که می‌خواهند کارآفرین شوند، باید این ویژگی‌های مورد نیاز را در خود تقویت کنند و هم اقدام به کسب مهارت‌های کارآفرینی کنند.

بالا نبودن سطح بالا ایده پردازی در ایران

مدیر مرکز نوآوری دانشگاه شهید بهشتی با ابراز تاسف از اینکه در رویدادهای فناورانه که در ایران برگزار می‌شود، ایده‌های سطحی ارائه شده است، افزود: چنین ایده‌هایی مشکلی از کشور مرتفع نمی‌کند، ضمن آنکه هم افراد ایده‌پرداز ناامید می‌شوند و هم جامعه به دلیل عدم رفع مشکلات ناامید خواهد شد. سعدآبادی، توسعه خلاقیت در جوانان برای ایده‌پردازی را مربوط به آموزش‌های دوره کودکی دانست و ادامه داد: سبک تعلیم و تربیت ما به گونه‌ای است که خلاقیت را در کودکان از دوران مدرسه می‌کشد؛ چرا که از دوران دبستان یکسری موضوعات به آنها ارائه می‌دهیم، بدون آنکه نوآوری در آنها تقویت شود و این در حالی است که سیستم آموزشی باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را تشویق به ارائه نظر کند.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، رفع این چالش را نیازمند راهکارهای کوتاه مدت و بلند مدت دانست و خاطر نشان کرد: در راهکارهای بلند مدت نیاز داریم تا سیستم تعلیم و تربیت کشور متحول شود، ضمن آنکه خانواده‌ها نیاز کودکان را به ارائه خلاقیت، تشویق کرده و اجازه دهند کودکان در جمع آنها سخنرانی کنند.

وی با بیان اینکه سخنرانی کودکان در جمع خانوادگی بسیار رایج است، افزود: در بسیاری از کشورها راهکارهایی را برای تربیت

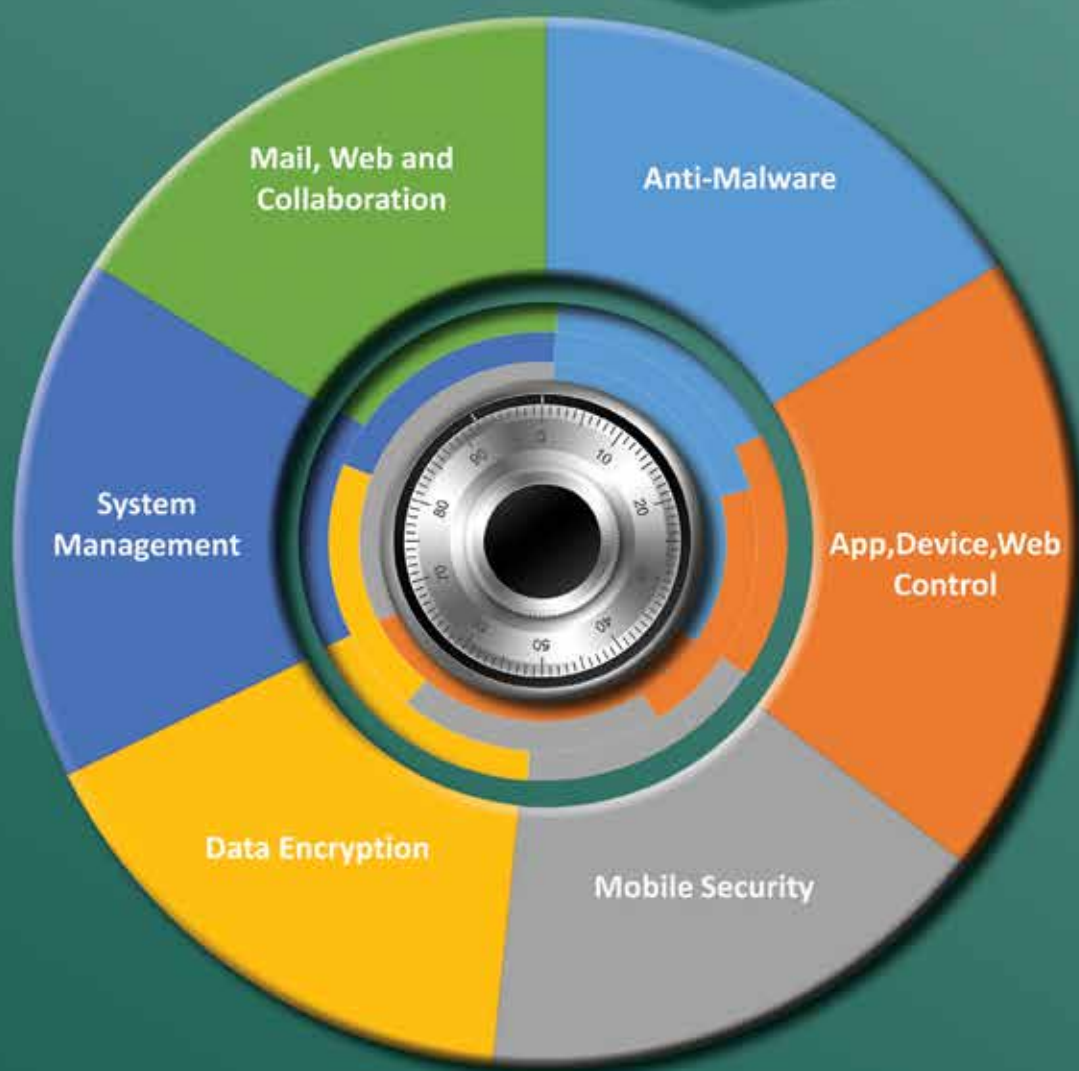
Authorized Partner

KASPERSKY

نسل جدید راه کارهای

امنیتی

KASPERSKY ENDPOINT SECURITY FOR BUSINESS



تهران، ابتدای خیابان ونک، مجتمع اداری تجاری آسمان
طبقه چهارم، واحد ۴۰۵
تلفن: ۸۸۶۵۲۹۴۶-۹ (۰۲۱) | شماره: ۸۸۶۵۲۹۵۰-۰ (۰۲۱)

گلاس کامپیوتر

گلاس کامپیوتر
بیتسگامان



FULL
FULL ENTERPRISE CORPORATION
فول

The sweet twist of network connection.

Patch Cables پیچ کابرد

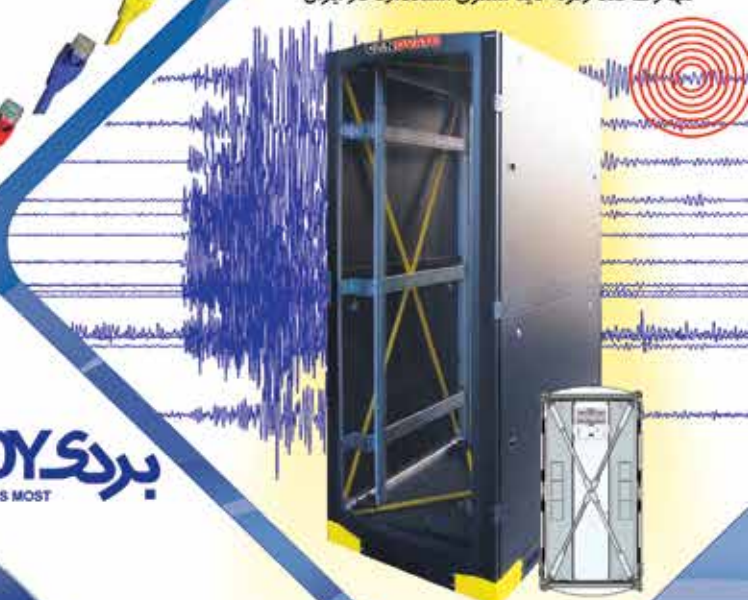
با انواع کابل‌های شبکه و پیچ کابردهای رنگی **فول** در مترهای مختلف، هدایت و مدیریت کابل‌ها را آسان نمائید

LEVITON
Network Solutions
لویتون

انتخابی هوشمند برای یک شبکه بهتر با استفاده از تجهیزات لویتون

CANOVATE
GROUP
کنوویت

تنها رک ضد زلزله دیتا سنتری استاندارد در ایران



BRADY
WHEN PERFORMANCE MATTERS MOST



چاپ آسان و سریع با لیبیل پرینترهای بردی
برای
سامانه‌های مطمئن شبکه و دیتا سنتر شما

تهران، خیابان ولیعصر، بلوار میرداماد، پلاک ۴۴۲

تلفن: ۴۲۶۱۷ فکس: ۸۸۷۸۷۵۹۶

www.dotcom-sys.ir info@dotcom-sys.ir

